

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

گرمی باد سالگرد
قطع صدور نفت

بدست توانای نفتگران میهن مان!

اوجگیری مبارزه توده ها، تهدیدهای اخیر "شورای انقلاب" و هشدار به تمامی نیروهای آگاه خلق

در اقدام دوم گدائی خدمتانی سی دهنده، حدود یک ماه دوم را اعمال غارت آمریکا، یکی از مراکز منطقه های امپریالیستی - سر غلبه خلقی حاکم کردند. در این مدت توده های سلبی در ازای حمله های وسیع و بی رحمانه و در تمام معامع و گرد همایی ها خشم و نفرتی با تمام شد در صفحه ۲

ایک برار کدشت ۱/۵ ماه را اعمال غارت و بی از تمام زمراندوم گدائی، هتتت حاکمیتی تازه کرد و با سونی کردن خود سلاح سپید و ارباب بدست گرفتند. تهدید روسای شان جو طلب و رحمیکان سی ممکن است تهدید خاب خانه ها، حمله ها حسان هوا داران سازمان بخا هدی خلق و ... پس از



■ اعتصاب پیروزمند کارگران
کارخانه قند اصفهان

■ سرمایه دار تنها در مقابل قدرت
همبستگی کارگران حاضر به عقب نشینی نمیشود

■ دوستد از یک توطئه!

"سود ویژه باید قطع شود!"

■ اخباری از تهران و شهرستانها

صفحه ۳

(فصل آخر)

بمناسبت ۲۱ آذر:

گرمی باد خاداره قیام پر شکوه

خلق آذربایجان یاشاسین بیزیم ترک خلقمیز!

صفحه ۱۲

درافشای

سوسیال امپریالیسم شوروی (۶۰۵)

پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را

هر چه باشکوه تر برگزار کنیم! (اول رانوبه یازدهم دیماه)



■ گزارش از مبارزات روستائیان

■ "مسئله" (از دهات اطراف اراک)
بر علیه سلیمان خان خانلوکی
مالک ده

■ گوشه ای از مبارزات دهقانان
حق طلب مایندران

صفحه ۷

■ حرفهای رحمیکان از ضربات رحمیکان
صفحه ۵

■ جشن ملی
صفحه ۶

■ جشن دانش آموزی
صفحه ۸

■ فرا اندوم قاپون اساسی آمریکان (۲۱)
صفحه ۱۰

■ رسته های حراان مسکن در ایران (۲۱)
صفحه ۱۶

■ گرمی ساد خا طره، شهدا
صفحه ۲۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ اوگیری ...

خود را نسبت به امیربالیسم نشان داده و خواست های واقعا صدامیربالیستی خود را صدها و هزارها بار به کوچ و خیابان و مدرسه و دانشگاه و ... آورده است. هم آوازی ظاهری هیئت حاکمه با موج خروشان خلق، واهیوی های "ضد امیربالیستی"، "ثورای انقلاب"، چه با کینه نیروهای مترقی و انقلابی خلق را سبز دچار توهم نموده است. در این میان تبلیغات رویزیونیستهای حزب توده نیز آشکارا هدف خرابکاری در جنبش توده ای را دنبال میکنند. در این مدت آنها تلاش کرده اند حرکت انقلابی توده ها را در همان چهارچوب اهداف ویرانه های رژیم به سازش و تسلیم بکشانند، اما اینک پس از گذشت ۱/۵ ماه از اشغال سفارت، ویرانه ها را تمام ویرانه و کدانی هیئت حاکمه که سعی ناز کرده و با "قانونی کردن خود به اهداف رسیده است، سلاح تهدید و ارباب به دست گرفته و به استقبال حمله نموده ای و سرکوب نیروها را آگاه خلق می رود. قبیل از اینکه به اولین نشانه های این سیاست "ثورای انقلاب" (و کلا هیئت حاکمه) اشاره کنیم لازم است بطریقه کارنامه ۱/۵ ماهه اخیر آن سیاست را به رسم:

کارنامه ۱/۵ ماهه "ثورای انقلاب"

در مقابل شور و جزارت ضدامیربالیستی توده ها، "ثورای انقلاب" درست همان خطی را دنبال کرده است که دولت خیانتکار بازرگان طی کرده و درست همان راهی را رفته است که خود ۹ ماه تمام همراه بازرگان می رفت. در ۱/۵ ماهه اخیر پس از "قحط دولت بازرگان، نه یک دلار سرمایه امیربالیستی مصادره نشده، و نه یک قمار آدا با رت آورا میرو. بالیستی لغو و افشا گردیده است. ولی در مقابل بخاطر سرمایه خیانت هایی که نسبت به منافع خلق ما در طی ۹ ماه حکومت بازرگان و شورای انقلاب و با ثبات آفاق خمینی از آنها صورت گرفته است، بخاطر اینکه سرمایه های خلق ما را همچنان به بانگهای امیربالیستی سپرده اند، بخاطر اینکه قدمی برای لغو و افشا و تجدید قراردادهای نفتی برداشته نشده است، بخاطر اینکه ... مجلس "خبرگان" سرمایه داری و استوارا به رسمیت شناخته است و ...

آری، بخاطر تمام این خیانت ها که هیئت حاکمه مرتکب شده است امیربالیسم از موضع ابتکار عمل با خلق ما برخورد میکند. و با قدرت تمام بر روی پس اندازهای ما در بانکهای خود دست می گذارد و سهام ایران را در شرکت بین المللی کربوب توقیف میکند. کار ترخیدنفت از ایران را قطع میکند و جلوی صدور کالا به ایران را می گیرد و ...

بدین ترتیب ملاحظه می کنیم در حالیکه خلق ما بر علیه امیربالیسم می عر دو امیربالیسم به خلق ما چنگ و دندان نشان می دهد. "ثورای انقلاب" در همان خط ۹ ماه حکومت

بازرگان که خط حمایت از نظام سرمایه داری وابسته و سرمایه داران بزرگ و منافع امیربالیسم است حرکت می کند و فقط دو قسما را ضدامیربالیستی راه می اندازد تا توده ها را فریب دهد و تلاش می کند افشای اسناد امیربالیستی را در افشاگرهای بسیار کم اهمیت دانشجویان خط امام خلاصه کند. وی میخواهد به توده ها چنین وانمود سازد که مبارزه بر علیه امیربالیسم در همین چهار دیواری سفارت و بازگرداندن شاه خلاصه میشود!

اما از آنجا که در میهن ما مبارزه بر علیه امیربالیسم، از مبارزه بر علیه سرمایه داری وابسته جدا نیست، مبارزه بر علیه امیربالیسم از مبارزه بر علیه زمین داران بزرگ جدا نیست، مبارزه بر علیه امیربالیسم از مبارزه برای کسب آزادیهای دموکراتیک، حقوق ملی و ... جدا نیست و خلاصه از آنجا که مبارزه بر علیه امیربالیسم از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی جدا نیست، بنابراین "ثورای انقلاب" نتوانسته و نخواهد توانست با عوامفریبی هایی که حول اشغال سفارت انجام میدهد مبارزه ضدامیربالیستی و دموکراتیک خلقهای ما را بسند بکشد، و یکماه و نیم اخیر نیز همین واقعیت را نشان میدهد: خلقها و در پیشتا پیش آنان زحمتکشان بر علیه امیربالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه میکنند.

کارگران آگاه جنوب، نفتگران مبارز شرکت های وابسته و امیربالیستی سدکو و ... این شرکتها را ملی اعلام میکنند. نفتگران دبیر شرکت لاوان جدا خواستار ملی شدن شرکت های وابسته نفتی، لایکو، پان آمریکین، سوفیران و مصادره سرمایه های امیربالیستی آنها هستند. در سایر نقاط کارگران همچنان مبارزه خود را بر علیه سرمایه داران وابسته و بزرگ ادامه می دهند.

دقانان مبارزه خود را بر علیه زمین داران بزرگ و خون آشام شدت بخشیده اند و زمینهای آنان را به نفع خود مصادره می کنند.

زحمتکشان بی سرپناه، به آپارتمانها و خانه های سرمایه داران بزرگ و فراری حمله میکنند و آنها را به نفع خود ضبط مینمایند.

خلقها و در پیشتا پیش آنها خلق کسرد مضم و استوار برای گرفتن حق خود مختاری واقعی مبارزه میکنند.

...

دور جدیدی از تهدید و ارباب

آغاز می شود

بنابر این "هیئت حاکمه" زمانی که می بیند نتوانسته است مبارزه ضدامیربالیستی توده ها را صرفا در شمارا و اشغال سفارت خلاصه کند و زمانی که با سرهم بندی رفتارندم کذا قانن اساسی خود را "قانونی" نموده است، دست بکار میشود تا بلکه جنبش توده ای و

نیروهای انقلابی را تحت فشار قرار داده و سرکوب نماید.

تصویر نامه ها و فرمانها ای که پس از رفتارندم و در روزهای اخیر شاهدش هستیم، در واقع نشانه های اولیه سیاست سرکوبگرانه ای است که "ثورای انقلاب" در پی اجرای آنست، سیاستی که چیزی جز ادامه سیاست ۹ ماهه دولت بازرگان یعنی شریک قبلی اش که اکنون نیز به خیانت خود ادامه میدهد، نیست.

عنوان کردن طرح "خودگردانی" بجای "خودمختاری" واقعی در مذاکرات کردستان و بحث رادیو و تلویزیونی هیئت اعزامی ثورای انقلاب به کردستان (دوروز قبل از آغاز مذاکره) نشان میدهد که آنان مانند گذشته نمی خواهند و نمیتوانند حقوق خلق را بدهند. قطع مذاکرات کردستان در روزهای اخیر و نقل و انتقالات نظامی دولتی در کردستان، نشانه ای از این واقعیت است.

مذکور فرمان آیت الله خمینی در مورد جلوگیری از مصادره زمینهای بزرگ زمین داران و آپارتمانها و خانه های سرمایه داران بزرگ و مصادره وزارت کشور در این مورد، و تهدید زحمتکشان روستایی و شهری که در صورت مصادره زمین ویا ممکن به مجازات های سنگین خواهند رسید، از جمله جدیدترین اقدامات برای سرکوب جنبش توده ای است و این فرمان و تهدیدها منی صورت میگیرد که جنبش روستایی اوج تازه ای (بخصوص در نواحی شمال کشور) گرفته است و زحمتکشان بی سرپناه بدنبال پیش از ۱۰ ماهه وعده وعید "هیئت حاکمه" خود کوشش نوینی را برای مصادره خانه های خالی سرمایه داران بزرگ و محتکرین آغاز کرده اند، تا در این فصل سرما و فشرده ای زمستان جایی برای سکونت نداشته باشند.

از طرف دیگر در روزهای اخیر هیئت حاکمه با صدور تهدیدنامه ای چاپ خانه های راکه نشریات انقلابی و "توقیف" شده را چاپ میکنند به مجازات تهدید کرده است.

حمله اخیر به ساختمان کارمندان وابسته به جنبش ملی مجاهدین از طرف پاسداران نیز نشانه ای از چشم غره های اخیر ارتجاع به نیروهای مترقی است.

.....

بنابر این وبا توجه به چنین سیاستهای قبل از همه، وظیفه نیروهای آگاه خلق چه در کردستان و چه در نواحی دیگر است که بدون ذره ای توهم نسبت به رژیم کثونی پیش از پیش بر هشاری خود در مقابل ارتجاع حاکم بیفزایند. ■

بقیه از صفحه ۵ حرفهای ...

اینست که متحدان با افشا دسیسه های کارفرما او را مجبور سازیم تا مزد واقعی ما را که مجموعه همه اینهاست و حداقل زندگی یک کارگر را هم بجزورتا مین میکنند پرداخت نماید.

همه قراردادهای اسارت او را امیربالیستی باید لغو گردد!



اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه قند اصفهان

روزدوشنبه ۵۸/۹/۱۲ حدود ۳۷ نفر کارگر کوره، ذغال سنگ کارخانه، قند اصفهان، به علت کمی دستمزد بطوریکه راجه دست به اعتصاب زدند. قابل ذکر است که کارگران این قسمت بسیار حساس است و اگر ذغال سنگ در کوره خالی نشود، بخاراتی که به بدبویله، حرارت ناشی از سوختن ذغال سنگ ایجاد شده و شربت قند را در لوله ها به حرکت درآورد، تا مین نشده و شربت در لوله ها می بندد. بکار انداختن مجدد این دستگاه ۱۵-۱۰ روز طول میکشد. پس از اعتصاب کارگران، عوامل کارفرما بدست و پا افتادند و کوشیدند با جمع آوری بعضی از کارگران قسمتهای دیگر، اعتصاب کارگران را با شکست روبه رو سازند. اما پس از مدتی نزدیک به یک ساعت، به علت موقعیت حساس کار، کارفرمای ضدکارگر ناگزیر در برابر همبستگی کارگران تسلیم شده و قبول کرده که روزانه بهر نفر ۷ تومان اضافه حقوق بدهد. اگرچه این مبلغ در مقابل کار سخت ذغال خردکنی، آنهم در فضای باز که در زمستان به علت سوز سرما و دژتایستان به علت گرمای طاقت فرم است، بسیار ناچیز بود، اما کارگران خوشحال از این پیروزی مرحله ای به سرکار خود برگشتند. یکی از کارگران اعتصابی برای کارگری اعتصاب شکن توضیح داد که: "ما همه برای دروکار گزشتیم، این درست نیست که وقتی ما اعتصاب کردیم شما کارشکنی کنید".

عوامل کارفرما برای آنکه کارگران اعتصاب شکن با کارگران اعتصابی صحبت نکنند، هرچه زودتر آنها را به سرکار خود فرستادند. در سهای این اعتصاب:

الف- یکی از عوامل مهم پیروزی اعتصاب کارگران کوره، همبستگی و یکپارچگی آنها بود. وقتی اتحاد چند کارگر، آنها را موفق به گرفتن گوشه ای از حشاش می کند، همبستگی و تشکل تمامی کارگران، منجر به نابودی نظام سرمایه داری وابسته خواهد شد.

ب- اگر کارگران قسمت کوره پیش از اعتصاب با کارگران سایر قسمتها صحبت کرده و آنها را با خود همراه کرده بودند، می توانستند، رجولت های بیشتری پا فشاری کنند.

در همین رابطه، کارگرانی که به اعتصاب نپیوسته بودند، اظهار می کردند که اگر ما از قبل می دانستیم که کارگران کوره میخواهند اعتصاب کنند، نه تنها بجای آنها کار نمی کردیم بلکه با آنها دست به اعتصاب می زدیم.

ج- برای آنکه کارگران بتوانند بطور هماهنگ و یکپارچه دست به مبارزه بزنند، با یستی کارگران آگاه و مبارز رزق قسمت با هم جلسه داشته باشند و کمیته اعتصاب درست کنند، این کمیته بین خواسته ها همگی برقرار می کند و در موقع ضروری تمامی کارگران با هم دست به اعتصاب میزنند.

سرمایه دارتها در مقابل قدرت همبستگی کارگران حاضر به عقب نشینی میشود

در شامهای (۲۲، ۲۱، ۲۰) پیکارچگونگی اخراج حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه دارو سازی عبیدی و تلاشهای آنها را برای بازگشت به کار و شستیم، در زیر گزارش مبارزات بعدی آنها را ملاحظه می کنید.

روزشنبه ۱۹ آبانماه، کارگران اخراجی دوباره جلوی کارخانه جمع شدند، در حالیکه تعداد زیادی از کارگران قدیمی هم به آنها پیوسته بودند. زحمتی نمایندگان کارگران و نماینده حزب جمهوری اسلامی برای مذاکره نزد نماینده کارفرما رفتند، اوفق نماینده حزب جمهوری اسلامی را پذیرفت و گفت که بقیه را ملائمت می کند. پس از مدتی مذاکره نماینده حزب جمهوری اسلامی بمیان کارگران آمد و گفت: کارفرما با بازگشت همه کارگران به سرکار موافق است، بفرمایید، نفرکه میکوبد

اینها اخلالگروند! نغلا بیدند! کارگران بطوریکه با رجه مخالفت کردند و گفتند با یه همگی به کار برگردیم. نماینده حزب دومرتبه برای مذاکره رفت و در بازگشت گفت: "کارفرما با بازگشت سه نفر دیگر موافقت کرد ولی می گوید نفر با یاد اخراج شوند." کارگران با رهم نپذیرفتند و مصرانه روی بازگشت سه سرکار را فشاری کردند. اتحاد و همبستگی کارگران، کارفرما را به وحشت انداخته بود، از اینرو موافقت کرده که همه کارگران به سرکار خود برگردند بجز یک نفر که او هم در روزیکارخانه نباید باشد. در موردش تحقیق شود پس از ۲ روز ساید. ولی اینبار رنیز کارگران نپذیرفتند و بدین ترتیب مذاکرات بشکست انجامید. کارگران مدتی مقابل کارخانه بحث و تبادیل نظر برداشتند و آنکه به راههای تصمیم نمایندگان متفرق

شدند تا دوباره فردا جمع شوند.

روزیکشنبه ۲۰ آبانماه با دیگر کارگران جلوی کارخانه اجتماع کردند (حدود ۱۸۰ نفر) ایندما بنده کارفرما به میان آنها آمد و کوشید با تهدید آنها به بیکاری و گرسنگی بینشان تفرقه ایجاد کند، اما کارگران به با و ه های او اعتنا نداشتند. در اینروز نماینده ها تصمیم گرفتند که دست از فشاری زیا در بردارند و در مورد آن یک نفر فعلا کوتاه سبایند، و بعد از آنکه همه به سرکار رفتند، شوری واقعی خود را تشکل دهند و اوارا دوباره سرکار برگردانند. این بود که نماینده حزب را ما موردا کره کردند. به محض اینکه کارفرما عقب نشینی کارگران را دید اظهار داشت: "دیروز بدیرتم که یک نفر بطور موقت از کار معلق شود، ولی امروز می گویم که حتماً باید ۸ نفر اخراج شوند. بقیه کارگران هم در صورت حمایت از آنان، اخراج میشوند." این مسئله برای چدمین بارشان داد که سرمایه دارتها در مقابل قدرت کارگران را که نتیجه همبستگی و تشکل آنهاست (حاضر به عقب نشینی میشود، سازواری مروت و اسانت) کارگران بدینال عکس العمل کارفرما مصما به علامت شدند که با همه سرکار می روم با هیچکدام و با اس فرا ر که فردا دوباره در مقابل کارخانه جمع شوند، پراکنده شدند.

روزدوشنبه ۲۱ آبانماه کارگران در مقابل کارخانه اجتماع کرده و به پیشها دما بندگان در دستهای حدفتری و با نظم و سربل برای صحبت کردن با کارگران قدیمی و جلب حمایت آنان بداخل قسمتهای مختلف کارخانه رفتند. آنها پس از ورود به قسمت با کارگران قدیمی صحبت کردند و در چندین مورد کارگران قدیمی به کارگران اخراجی پیوستند. ولی در قسمت بسته بندی که قسمت عمده کارخانه است با اعتنائی کارگران قدیمی روبرو شدند. آران- رویدون ایجاد رکیزی با آنها، روزی رمسن نشستند. در اینجا نیز کارگران قدیمی حرا ر مدتی به قیقه پیوستند. در قسمت کارمندان بجز کارمندان آزمایسکا به قیقه ارتس کارگران به آنها پیوستند. سرانجام کارگران اجزای حسی توانستند، تمام کارمندان را در سالتا هماره خوری جمع کنند (حتی سربسها را). در آنجا نمایندگان کارگران اخراجی صم افشائی توطئه های کارفرما اما ننند با دفرقه پس کارگران جدید و قدیم خواسته های خود را برای شسه تشریح کردند. در اس اجتماع مدتی دربار د لزوم شوراهای جدید و اس از رای گیری ۶ نفر که دوعرا و آنها کارمند بودند بعنوان اعضای شوراهای انتخاب شدند. پس از انتخاب اعضای شورا، کارگران سی توحده به توطئه های کارفرما ساد لوجا به مبارزه خود را با بانده نفسی کرده و کارخانه را ترک نمودند. با اس آمد که فردا صبح از یکطرف همه سرکار را حرمی شوند و به کمک شورا به تولید می بزدارند. وار طبر دیگر شورا به همراه نماینده حزب جمهوری اسلامی

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

سده کمینه صنعتی اما مرفه و در آنجا با دکه غنبدی مذاکره میکنند. (با سادگان قبلا سره کمینه صنعتی اما مرفه مذاکره بودند، با وجود قبول همکاری و رسیدگی، عملا برای آنها اذی می کرده بود!)

فردا وقتی کارگران برای شروع محدود کار به کارخانه می روند، با درهای بسته روبرو می شوند. کارفرما کارخانه را برای مدتی با معلوم تعطیل اعلام کرده بود! کارگران رنج خود را حفظ کرده و مصمم می گریزند برای رسیدن به خواسته های آنها. همان یکا را چه میارد کنند. آنها چون بدلا از رفتن به وزارت کار مسجدهای تکریم بودند، مصمم می گریزند یکا را در کمره کمینه صنعتی اما مرفه گذاشتند. اگر کارگران در مراغه، قلمیان، سکه کمانه، ماسیجی، خود را حفظ کرده بودند، ولی حورا، مندوار بودند که این کمینه برای کار می انجامد! رت و آوازه های کارگران سکه کمانه اما مرفه، مشایخ و سعاد و... بجای رسیدن آنگاه که از همه جا با مسجدها و دیگر سکه کمانه و هنسکی خود میسر شد.

کریخا در دست ما جریا خا انکت ما با وجود یکا اعدا را از کارخانه محال نظر میگردید کارگران مصمم گریزند! افعال کرده و در آن بدخص سیمند. از اسرو چند سزار کارگران حوا رن و مردار دوا رست کارخانه را جل آن می روند. با ادا ران به محض دیدن آنها شروع به شلیک هوایی میکنند. در همان حال چند نفر از کارگران مردار شده های کارخانه را به راه و صحن درگیری با ادا رها در کارخانه را می کشانند... به اس سرت کارگران همگی وارد کارخانه شده و با ریدگر در سالن غذا خوری اجتماع می کنند. بها مت و دلاوری، کارگران، خصوص کارگران در هنگام ورود به کارخانه نجس اکبر بود. وقتی که تراننداری هوایی با ادا ران تعدادی از کارگران را برسانده بود، چند سرن کارگر که در آنجا در آن را به سرت سرتا کرده رده بودند، بها پیش بقعه بهت میزدند که: "سرتس! مرک یکا ر، شون هم یکا ر، هر طور رده ما با سرتویم تو." روح کارگران پس از ورود به کارخانه عالی بود. پس از استقرار شدن در کارخانه چون فرارند کارگران نسا رسیدن به خواسته های کارخانه متحصص شوب، چندین کارگر، آتسین ها شان را بالا رده و برای تهیه غذا به آشپزخانه کارخانه رفتند! هیچ قدرتی، جز قدرت همبستگی و تشکل کارگران نمی تواند طبقه، سرما به دارا را از پای در آورد!

گرمانشاه

وخت نماینده سورژواری
تشکل کارگران

بهنگام بازدید بهمن فروز بهتس از پالایشگاه گرمایش، نمایندگان کارگران بهمانی با هزار سختی با وی ملاقات کردند و خواسته های خود را مانند اخراج بهمانکاران و استعفاء کارگران بهمانی، جلوگیری از اخراج

بدون دلیل کارگران، حق استفاده از بیمه درمانی و... مطرح کردند. جناب وزیر در جواب میگوید: "اگر خواهشهای شما معلوم است که دارای سازماندهی هستید... من فعلا نمیتوانم برای شما کاری انجام دهم." کارگران عملا در یافتن که نه تنها معین فرما با بر مسئولان زمان شاه خاشن تفاونی ندارد، بلکه حتی در مواردی از آنها هم برنده تر رفتار میکنند. آنها اگر چه نتوانستند از این طریق بخواسته های برحقشان برسند، اما از لابی حرفهای معین فر تا حدی دریا متند که سرما به دارو عوا ملقا از سازمان دهی و تشکل کارگران چه وحشی دارند!

تهران

اخراج کارگران مبارز

احمد سالم مدیر عامل صدا کارگر کارخانه با فکار در سیمه اول آذر ماه، با همدستی علی محمد عرب با مصلح نماینده کارگران در مجلس خبرگان و با بهره گیری از نا آگاهیه های بعضی از کارگران دوست از کارگران مبارز را با مهای رحیم و عادل که برای گرفتن حقوق پا بهال شده شان و تیرافتنای توطئه ها و دزدیهای مدیر عامل در میان کارگران تلاش میگردند اخراج کرده است. این مدیر استعماری سازمان صنایع و گسترش از هیچ فرصتی برای دزدی دسترنج کارگران چه برای خود، و چه برای همیا اکبها پیش مظا بقعه نمیکنند. مثلاً با استفاده از موقعیتش پا رچه ها را با قیمت ارزان به برادرش عباس سالم، با اسم مستعار مهدی معظم میفروشد. با اینکه به او اکبهای کارخانه که با همت کارگران اخراج شده اند همچنان حقوق میپردازد. اگر چه بعضی از کارگران برای بازگشت به کار این دو کارگر دست با عصاب زدند؛ اما اعتبار آنها به علت نداشتن رهبری صحیح که بتواند بموقع تا کنیک های مناسب انتخاب کند، متجر به شکست گردید!

★★★

بر اساس خبری موثق، در بعضی از کارخانه ها، فداشان اسلام دست به تشکیل شبکه های زیرزمینی زده اند. بعضی از این شبکه ها مسلح هم هستند و هدف آنها از این اقدام، با مصلح مبارزه با دشمنان اسلام، و در درجه اول مبارزه با کمونیستهاست که بقول خودشان دارند همه جا نفوذ می کنند.

اصفهان

تخص کارگران شرکت
(پلی اکریل)

حدود یکسال است که شرکت آمریکا شی پلی اکریل تعطیل شده و کارگران آن بیکار شده اند. دولت، صد کارگری ما بها ست که با وعده و وعید آنها را سر میدواند و در چند مورد با فریب و سرتگ تشن و اجتماع آنها را برانگیزد است.

کارگران مذکور از روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹ با آگاهی نسبت به اهای تو خالی مسئولین مصم ترا قبل مجددا در استان اری متحصن شده و مهمترین خواستشان بازگشت به کار است.

★★★

از سوم آذر ماه حدود ۳۰۰ نفر از کارگران

"فرهنگ و هنر" بخاطر عدم پرداخت ماهیه تفاوت اما به حقوقهای امسال در استان اری اصفهان متحصن شدند. یکا رچی و همبستگی آنها پس از ده روز دولت صد کارگری را مجبور به تسلیم ساخت و روز سه شنبه ۱۳ آذر ماه با موفقیت تشن آنها با یان پذیرفت.

شمال

کارگران کارخانه ایران کشف که دارای سابقه مبارزاتی درخشان علیه سرما به داران ورژیم مزدور شاه هستند. از روز سه شنبه ۱۳ آذر ماه با خواسته های سروسینا ها رخروری و طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتبار زده اند. این کارگران به لحاظ داشتن تجربه و سابقه مبارزاتی فریب توطئه های کارفرما را نخورده و همچنان مصممانه بر خواسته های خود با فشار می کنند.

شهریار

وضعیت کارگران
ما کاررونی سازی انجم آباد
کارگران کارخانه ما کاررونی سازی واقع در انجم آباد شهریار با ۱۲ ساعت کار در روز (۶ صبح تا ۶ بعد از ظهر) روزی ۲۰ تومان حقوق می گیرند و این درحالیست که طبق قانون کار دولت جمهوری اسلامی حداقل حقوق کارگران در کارخانه ها ۵۶۷ ریال است و در زمان ورژیم مزدور شاه حداقل حقوق در مراحل آخر به ۳۰۰ ریال در روز رسیده بود. کارگران این کارخانه با ۱۲ ساعت کار در روز از دقت رجه بیمه نیز بی نصیب اند!

دو سند از یک توطئه!

"سود ویژه باید قطع شود!"

در شماره ۳۲ پیکار ۱۲ آذر ماه مطلبی در افشای سیاست صد کارگری ورژیم آوردیم و گفتیم: "اخیرا هیئت حاکمه و وزارت کار" در صدد توطئه جدیدی هستند تا با زهم بیشتر از سود نا چیز کارگران بکا هد و بیشتر بهت سرتا به داران را الوصفت را برکنند. اخیرا نمایندگان وزارت کار در چند کارخانه مطرح کرده اند که "چون سود ویژه برای فریب کارگران بوده و ظاغوشی است و از آنجا که ما مزد کارگران را زیاد کرده ایم دیگر احتیاجی به سود ویژه نیست و شما باید پرداخت شود!!"

ما در آن مقاله جنبه های مختلف این توطئه را (تا آنجا که میسر بود) بحث کردیم. در این شماره دوسند که آن توطئه را بوضوح نشان میدهد چاپ میکنیم. یک سند با معای آقای با زرگان است اما شخصی دیگری که ما پیش خوانده شد و بنظر میبرد ما و او با شدنظر میبدهد که بهتر است "لغو سهم کردن کارگران در منافع" کارخانه ها (با سود ویژه) را به عنوان یک لایحه قانونی بلکه بعنوان ترمه برقانون سابق بیاورند تا با مصلح لحن ملامتتری داشته باشند و "اثر تبلیغی بد" نداشته باشند! واقعا حرف درستی است که گفته اند! لاشن خاشف، یعنی بقیه در صفحه ۱۷

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند



حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان

۲۳ تیر "نشریه ای است کارگری که توسط گروهی از کارگران صنعت نفت اهواز منتشر میشود. شماره ۱۵ این نشریه مطالب متنوعی را دربردارد که از این قرارند: درباره کارکنان شرکت های حفاری و خدمات جنسی، ما به چشم کارکنان نفت روشن! و درباره قطع شعری تحت عنوان مردان سرخ. در اینجا یک مقاله کوتاه از آن نشریه را انتخاب کرده ایم که میخواهید:

چشم کارکنان نفت روشن!

اخیراً طبق بخشنامه ای ابوالقاسم سراجی مدیرپرسنل شرکت های خاص خدمات نفت از طریق هیئت رئیسه جدید با موافقت وزیر نفت به سمت مدیریت عملیات بهره برداری شرکت ملی نفت مناطق نفتخیز منصوب شده است. کمتر کسی است که در اهواز یا مناطق کار کرده باشد و این مزدور رژیم منحوس پهلوی را نشناخت. سراجی همکار و همدم منوچهر مهندس و سروسنشین خائن و یکی از اعضای بانده رشوفی در شرکت نفت است. همکاری فعال با فرمانداری نظامی در طول اعطای اعتبارات نفتی، مداخله در کارهای سفیدپویشی ضد انقلابیون، معرفی افراد مبادی رزق شرکت به سازمان جهنمی ساواک و... گوشه ای از اقدامات این عنصر پلیدی بشمار میرود. او درست مدیرپرسنل مجری ظالمانه ترین روابط ضدکارگری و ضدبشری بود و دشمن سرسخت کارگران است و هر کارگری که یکبار با او برخورد کرده باشد ما به هیئت ضدکارگری او را خوب می شناسد. در اولین هفته بعد از قیام پس از زکشت به کار همه کارکنان خواهان تصفیه انقلابی صنعت نفت از عناصر فاسد و ضدکارگری رژیم سرنگون شده شاه بودند و بیحق نام او را جزولیت مزدور و خائنیتی نوشتند که میبایست از شرکت اخراج و در دادگاه های انقلاب محاکمه میشدند. شورای مرکزی صنعت نفت اهواز به پیروی از خواست کارگران و کارمندان، سراجی را به اخراج از این صنعت محکوم کرد، ولی هیئت بازرسی و تحقیق مظلوم الحال نرینه از اخراج او و سایر مزدوران جلوگیری کرد و برای ابقای او ارجاع کار رفتی کرده و اکنون معین فرجایی سرمایه داران رژیم پیشین و جدید سراجی ترغیب مقام داده است و او را عهده دار پستی کرده است بسیار حاسن و کاملاً سیاسی. این کار بدست کسی صورت میگیرد که بعد از راجا روحنالی که بر علیه نرینه و نفع مستضعفین! برآه انداختند برمسند وزارت نشاندند. در مورد کارگری صنعت نفت و سایر ادارات و موسسات همانطور که بارها گفتیم: تا زمانیکه دستگاه های اداری نظامی، صنعتی و... به همان شکل سابق وجود

دارند، نمیتوان انتظار کسری مزدوران و خود فروختگان را داشت. این ارگانهای دولتی متناسب با ماهیت رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم وجود داده اند تا زمانیکه سیستم حاکم بر جامعه تغییر نکند و به استقلال واقعی (اقتصادی، سیاسی و...) دست نیایم با جایگزین کردن مهره ها و توبه بر سر آنها ریختن وضع مملکت مطلقاً فرقی نخواهد کرد. به همین علت است که در سراسر مملکت کارگران مبارزان به بند می کشند. روزنامه های مترقی و آزادخواه را ممنوع انتشار اعلام میکنند به عنوان انقلابی و پاک مارک آمریکائی و ساواکی میزنند ولی سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، چکمه پوشان رژیم پیشین، ساواکیها و رستاهیزهای مسلمان شده و روحانیون جیره خوار رژیم شاه آزادانه میگردند و در اس کارها قرار میگیرند. به همین خاطر است که معین فر کسی که نشان تاج آریامهری را در چهارم آبان سال ۵۱ دریافت میکند عضویت شورای انقلاب درمیآید، سراجی خائن ترغیب مقام پیدا میکند و نقشبند، عضو برجسته کمیسیون امنیت استان خوزستان و اعتماد شکر معروف به ۲ سال حبس تادیبی محکوم میگردد و با احتمال قوی عفو امام شامل حال او میشود.

راندان چیست؟ و چه ضرری برای کارگران دارد؟

نشریه پیکار ساج که توسط گروهی از کارگران ساجی قائم شهر انتشار مییابد. در شماره دوم خود که مربوط به نیمه اول آذرماه است مقالات کوتاهی درباره سدیکا، مبارزات ضد امپریالیستی خلقها و "راندان چیست؟" دارد که خلاصه ای از این آخری را برای شما انتخاب کرده ایم:

در این مقاله ابتدا توضیح داده شده است که پرداخت راندان ۶۰۰۰ ریال برای کارگران و هائی است که کارفرمایان برای جبران کارگران و استثماریست ترانها را میبندند. در توضیح این مطلب آمده است: "هر کارگری موظف است که در ساعات کاری مقدار کار را انجام دهد. اگر کارگری نتواند این مقدار کار را انجام دهد جریمه میشود. اما اگر کارگری از این مقدار بیشتر تحویل بدهد، با اشکال گوناگون اضافه پرداخت مان دریافت میکند. در ادامه مقاله پس از شمردن اشکال گوناگون راندان خمرهای ناشی از آن که مستقیماً به کارگران ضربه میزند چنان بررسی شده است:

الف - استثماری و حبس کارگران، که سود هنگفتی را به جیب کارفرما میبرد.

ب - آسان شدن کار سرپرستان و متدیان و استادکاران و وریش قسمتها که دیگر احتیاج

نیست آنها هر ساعت بالای سر کارگران باشند و چهار چرخ می مواظب باشند، زیرا کارگران برای اضافه راندان با هم برافتن بر میخیزند. ج - بوجود آمدن رقابت بین کارگران برای تولید بیشتر، تا جایی که کارگران برای اینکه ماشین بهتری در اختیار بگیرند تا اها را راندان بیشتری بدست آورند با هم دعوا راه می اندازند. این حس بدبینی و کینه بین کارگران که ناشی از رقابت است از اتحاد و همبستگی آنها در مقابل کارفرما جلوگیری میکند. د - کارگران به روستاها راه میروند و میخورند، به همین جهت خود را کارفرما سالی غذا خوری و غذای گرم میخواهند. این عمل موجب آن میشود که سلامتی آنها به خطر بیفتد و درود پیرواز کار افتاده شوند.

ه - وجود راندان مانع از تولید کارگر همیشه زبانش پیش کارفرما گوناگون باشد چرا که اگر بخواند در مقابل زورگویی کارفرما از حق دفاع کند، میترسد راندان را قطع کند. و - مقدار ریولی که راندان را به راندانان نصیب کارگر میشود در مقابل تولیدی که انجام میدهد ناچیز است. در حالیکه بسیاری از کارمندان و نورچشمیهای کارخانه که در تولید نقش مؤثری ندارند از کارگران بیشتر ما را به راندان میگیرند. همه اینها را که در این لایحه کارفرما نادان حق اضافه راندان به سود پلیدی خود، که همانا سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن است، میبرد بدین ترتیب کارگران را که دارای مشکلات، دردها و رنجهای مشترکی هستند، و همگی توسط سرمایه داران سودپرست غارت میشوند، بصورت دشمن گذاشتی روی در روی هم قرار میدهد. در حالیکه آنها با بدچون بیکری و اتحاد محدود یکبارچه در مقابل دشمن اصلی خود یعنی حاکم و لکرائی که آنها را استثمار میکند همکاران بهر جزئیات و محسوس سیستم سرمایه داری جامعه می طبقه و غارتی از سیستم طبقاتی، و سطوح های رنگارنگ سرمایه داران را خنثی میزند. حال که با دور و گشت سرمایه داران آشنا شدیم ببینیم چگونه با سرمایه آنها مقابله کرد.

سرمایه داران در مقابل کارگر که کار را راندان می کنند، مقدار ریولی بعنوان مرده کارگران می دهند تا آنها با تمامین حداقل زندگی بتوانند دوباره با زانو و مفاصل پاره سرمایه داری از آنجائی که این دغلی کار را روراست بودن در ذات شان نیست این حداقل پول را میزدند و اینهمه را با دگی نمیدهند. آنرا چند قسمت تقسیم می کنند و تحت عناوین مختلف حقوق ثابت، پاداش سود ویژه، حق مسکن، و راندان... بدما می دهند و از این راهها همه اینها را به توضیح دادیم به منظور کنیغمان که ما با استثماریست ترانها و تفرقه و جدائی بین کارگران میشود، برسند. در این رابطه کاری که ما کارگران میتوانیم بکنیم

بقیه در صفحه ۲



گزارشی از بلوچستان (۱)

موقعیت سیاسی و گروه‌های
سیاسی منطقه بلوچستان

این مقاله قسمتی از گزارشی است که توسط عده‌ای از رفقای هوادار ما زمان در محل تهیه شده است: ما علیرغم سوابقی که در شیوه تحلیل نوشته‌هست، از آنجا که در مجموع این مقاله در ارائه موقعیت سیاسی محل و افشای نیروهای مرتجع و ضد انقلابی دارای جنبه‌های مثبت است اقدام به درج آن می‌نمائیم.

الف - جبهه آزادیبخش بلوچستان: توسط عده‌ای از عناصر متشکک بلوچستان (ایران (خوابس) و با معرفی خوانین بلوچستان با کسان و به کمک دولت عراق در بغداد تشکیل گردید. این جریان را دولت عراق در سال ۵۲ در رابطه با تعدادی که با دولت ایران داشت نه در جهت منافع خلق بلوچ بلکه به مثابه ابزاری درست خود برای مطامع خود علم نمود و حتی در راهبوعراق برپا می‌نمودند و به زبان بلوچی گذاشت. خوانین جمع شده در این جبهه با مبارزات توانمند عده‌ای از زحمکنان بلوچ را که برای امرار معاش و کار به امارات آمده بودند فریب دهند و آنها را با خود همراه نمائند و با عادی شدن روابط ایران و عراق بسیاری از این خود فروختگان به با واک پیوستند و در جهت اهداف با واک و بر علیه خلق بلوچ خدمت می‌کردند و حتی همان زحمکنان را نیز بدست رژیم سپردند. جالب توجه است که هر وقت خوانین می‌خواستند از دولت پولی بگیرند یک نفر را به جبهه آزادیبخش بلوچستان (!؟) می‌فرستادند و از طرف دیگر با دولت مذاکره می‌نمودند که یک نفر از جبهه خودش را تسلیم میکند و دولت هم برای او حق و مستمری معین می‌نمود.

ب - حزب اتحاد المسلمین: در رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی غائب "مولوی ها" (۱) مستقیم و یا غیر مستقیم در خدمت با واک قرار داشتند. در جریان مبارزات توده‌ای که در سرانجام بران یوقوع پیوست (۵۷ - ۵۶) بدلیل فرم غالب مذهبی مبارزات و تضاد مذهبی مولویها و همچنین دستورهای مستقیم با واک، مولویهای مرتجع با کمک روشنفکران خود فروخته دست به مبارزه

(۱) - کارگزاران مذهب در میان اقوام بلوچ "مولوی" نامیده میشوند مانند "خوند" در مذهب شیعه.

علیه رشد این جریانهای سیاسی در میان خلق بلوچ زدند. آنان با تبلیغ کمونیست بودن خمینی! و تبلیغات با واک در مورد افغانستان مردم را از شرکت در مبارزات فد رژیم میترسا - نداشتند. شکل این افراد در این زمینه باعث شد که زمینه ایجاد یک حزب در دوران نخست وزیری شریف امامی ریخته شود. هیئت موسس این حزب را که "اتحاد المسلمین" خوانده شده افراد کملاً سرسپرده و رستاقی و ساواکی تشکیل میدادند. غلامرضا طاهری مسئول آموزش رستاقیان استان غلامرغای حسین بر - رئیس رستاقیان استان، تعدادی از سرسپردگان رژیم قدیم که از موسسین حزب بودند مولوی عبدالعزیز را به علت نفوذ مذهبی اش بعنوان رهبر حزب انتخاب کردند. این حزب که از بدویدادش خویش محل تجمع روشنفکران خود فروخته، خوانین وابسته و مولویهای مرتجع بود از طریق نفوذ مذهبی مولوی ها در غالب شهرهای بلوچستان موفق شدند عده‌ای را بدینال خود بکشانند. پس از قیام بهمن ماه و استقرار جمهوری اسلامی در ایران "حزب اتحاد المسلمین" با حفظ اپو - زیمون بسیار ضعیفی که نتیجه تضاد مذهبی سردمداران آن با سردمداران تهران بود در خدمت دولت قرار گرفت. مولوی عبدالعزیز توانست در کمیت زاهدان نفوذ کرده در منطقه وجهه سیاسی پیدا نماید. "حزب اتحاد المسلمین" بدلیل ترکیب طبقاتی خود بصورت کامل وظیفه جلوگیری از رشد نیروهای مرفقی، تبلیغاتی شدید علیه آنان، جلوگیری از مبارزات خلق بلوچ و ساکت نگا داشتن آنان از طریق تبلیغات را به عهده گرفت و از این نظر نیز تبلیغات رژیم حاکم بفتح مولوی عبدالعزیز قرار گرفت. اما خلق بلوچ بجز در مواقعی که از آنان با انکار به روشنای مذهبی و ضعف آگاهی سوا استفاده میشود نسبت به این حزب نظر خوشی ندارد زیرا که رفتن آنها را پیش و پس از قیام با یکدیگر مقایسه میکنند و بدلیل روابط عشیره‌ای غالب سردمداران آنها را به خوبی می‌شناسند. سردمداران و طرفداران این حزب را در شرایط فعلی خانها، مولویهای مرتجع، کدخداها، تاجران، تعدادی از کسبه کارمندان محافظه کار مرفه، روشنفکران خود فروخته و قاچاقچیان منطقه تشکیل میدادند که در این میان قاچاقچیان نیروی عمده حزب را تشکیل می‌دهند.

از فعالیت‌های این حزب آزاد کردن خدا - دادخان ریگی، جلوگیری از دستگیری نقی خان ریگی و امان‌الله یاران، تبلیغ نظریات

مفتی زاده، خاموش کردن شور و شوقهای محروم خلق بلوچ، شرکت در رفتارند و جمهوری اسلامی (تبلیغ کارت سبزه اسلامی و کارت قرمز کمون - نیستی)، شرکت در انتخابات مجلس خبرگان (با تبلیغ پیروزی شیعیان بر سنی ها در صورت تحریم انتخابات) و واسطه‌گری قاچاقچیان در رابطه با موران دولتی بوده است. مولوی عبدالعزیز نماینده مجلس خبرگان است و ظاهراً خود را از تصویب ماده ۱۱ ناراضی نشان میدهد. این حزب میتواند فشاری از مردم را بسج کند و با توجه به تضاد روشنی مذهبی و انحصار طلبی قدرت حاکم و کارگران آنان که حتی به این حزب مطیع هم کم‌رونشان می‌دهد میتواند در وجهه اپوزیسیون از خود نشان دهد.

ج - جبهه عدالت خواه: شخصی بنام عبدالواحد (محمد) آریان که پیش از این سابقه همکاری با ساواک داشته است (برخی از اقا - مات او در گذشته عیار رشتنداز: معرفی یکی از اعضای مبارز جبهه آزادیبخش مردم بلوچستان بنام عبدالصمد میری، کار در هتل جلب سیاحان برای شناسایی افراد مبارز، سرپرستی کانتینرین شرکت پودر شنبلیله مسئول سدای پیشین برای شناسایی افراد مبارز و خواباندن اعتصاب کارگران شرکت مربوطه و...) او بمنظور مقابله با سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان در نوروز ۵۸ جبهه عدالت خواه را بنیان گزار کرد. وی که هدف خود را حمایت از خمینی - جمهوری اسلامی و مبارزه با کمونیسم در منطقه معرفی میکرد توانست با استفاده از امکانات دولتی و بعضی مولویهای مرتجع، بین بعضی عناصر روشنفکر و دانشمندان شهرهای ایران شهر و چاه به روز هان برای خود طرفدارانی کسب کند اما پس از نزدیک به سه ماه فعالیت به حزب اتحاد المسلمین پیوست و تبلیغات خود را در این حزب متمرکز کرد.

د - حزب جمهوری اسلامی و کمیته‌های امام، جبهه دانشمندی، سپاه پاسداران و اد - ستانی انقلاب از جمله ارگانهای هستند که بعنوان ابزار هیئت حاکمه در منطقه فعالیت دارند.

ه - سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان: این جریان از عده‌ای از جوانان منطقه بعد از قیام ۲۲ بهمن، با فعالیت‌های دموکراتیک بوجود آمده مدتی کوتاه توانست افشاکری - های در مورد خوانین و مرتجعین مذهبی بنمایند و با یورش ضد انقلابی هیئت حاکمه و محدود شدن امکانات علنی کار در چارشاگالانی گردید. عناصری از این جریان هم اکنون تحت نام سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان بنظر می‌رسد با کنار گذاشتن عده‌ای و درس‌گیری و تجربه اندوزی از اشتباهات قبلی تشکیل منطقه‌ای درگیری راهی ریزی میکنند.

و: خانه بلوچ، دانشجویان پیشگام، مسلمانان مجاهد و دانشجویان مبارز نیز جزو نیروهای مرفقی منطقه هستند که عمدتاً در شهر زاهدان فعالیت دارند.

بقیه در صفحه ۸

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



علیه این ارباب با غصب و زور و گشور و غشور می‌شود که با شما راهی انقلابی خودبزرگوارانم این جنبش کارگری اندازند. با اطلاع از شورش مردم ارباب ده را ترک می‌کنند و به اراک می‌آیند و دست و پا می‌کنند تا بلکه بتوانند حق‌ها را بخواه با ندوخت متحدمردم را که خارشما و شده است بهم بزنند. از این جهت به پا سگاه‌ها ندارند. مری آزاد شهر رفته و با همدستی عزت‌اللهی که مشا و روحیه خوا رهزیردانی بود و با زدوبند کردن با رئیس پا سگاه‌ها آنجا که عراقی نام دارد در صدد برمی آید که این حرکت را تخطئه و منکوب کند. در طی این مدت اهالی نیز با گرد هم آشی در مسجد و شور و شورش با یکدیگر در صدد برمی آید که شورای ده را تشکیل داده و مبارزه خود را با برنا می‌محاسب شده و بدور از هرگونه هرج و مرج به پیش برند (چون مزه تلخ شکست را اهالی در سال ۴۱ به علت عدم برنامهریزی و هرج و مرج چشیده بودند).

پس از تشکیل شورای دهقانی بنا بر این ۷/۲۸ (دوروز بعد از آغاز حرکت) که این جنبش اهالی کامل اهالی برخوردار است روز دوشنبه ۵۸/۷/۳۰ از طرف شورای منتخب اهالی تعطیل عمومی اعلام می‌شود و اهالی این برنام و پیشنها را انقلابی را با جان و دل پذیرا می‌شوند و در این روزها را بهیما می‌نظر هرات و با حمل پلاکاردها می‌گردان نوشته شده بود "زمین‌های غصب شده توسط اهالی تصرف شد"، در صفوف فشرده و منظم و با انضباط بسوی زمین‌های غصب شده خود حرکت می‌کنند. از آنجا که سلیمان غارنگری پا سگاه زدوبند کرده بود در همین بین سر و کله دوتا را ندارم پا سگاه جا دوسیا که در ۴ کیلومتری ده قرار دارد پدید می‌شود و آنها با موج عظیم جمعیت روبرو شده و در حالی که جمعیت با شعار "اتحاد، اتحاد، سلاح، محکم ماست"، "تفرقه، تفرقه بنبغ دشمن ماست" حرکت می‌کنند آنها نیز همراه جمعیت می‌افتند. در این روز پلاکاردها بر سر تمام زمینهای غصب شده اهالی نصب می‌شود و برای آنها نگهبان می‌گمارند و با تصمیمات قبلی شورا هرات تعدادی از اهالی بطور نوبتی برای نگهبانی از اموال عمومی و جلوگیری از احتمال قطع ارتباط انتخاب می‌شوند. پس از راهپیمایی و تصرف زمینها اهالی به شخم‌زدن و کشت زمینهای پس گرفته شده خود مشغول می‌شوند. به پیشنها دارب، پا سگاه‌ها دوسیا چندتن از اعضای شورا را بازداشت کرده و به اراک می‌فرستد. ولی پیش از مدتها از روستا شان فردای آتروز (به شنبه) برای آزادی نمایندگان خود به اراک می‌آیند و جلود استانی انقلاب اسلامی جمع می‌شوند تا اینک ساعت ۲ بعد از ظهر نمایندگان آزاد می‌شوند.

اهالی ده همراه نمایندگان خود به ده برمی گردند و در ده با استقبال پرشور اهالی روبرو می‌شوند و با شعار "ملت پیروز است"، سلیمان تا بود است" بطرف ده حرکت می‌کنند. در ساعت ۲۲ هم آتروز ۴ پاسدار از طرف سپاه بقیه در صفحه ۱۸

طوفان انقلاب تودهای ایران هر چند با اختلافات زمانی مشخص از فراز شهرها و از میان زحمتکشان شهری بسوی صحرا و جلگه‌های چپاول شده ایران دیرتر پال گستراند، ولی به حکم قوانین عینی و مادی مبارزه طبقاتی، رنجبران دهات را به عرصه مبارزه کشاند. روستائیان ایران هر چند دیرترو ولی با عزمی راسخ و ریا رومی متهورانه پای در میدان مبارزه طبقاتی نهادند و در این عرصه کارزارید نبال رهبری واقعی خود یعنی طلایه‌دار پیگیری انقلاب می‌گردند تا بتوانند با تکیه‌داس خود بر چکش استوار طبقه کارگران ایران، رزم محکم و متحد خود را بر خصم به پیش رانند. و این طبقه کارگراست که در این عرصه مبارزه پرچم طبقاتی خود را در وجود حزب خود برافراشته خواهد ساخت تا این متحدین طبیعی خود را بر گرد این پرچم آورده و برقراری سوسیالیسم را نوید دهد.

مادر این کارگزارش یکی از نقاط حاد مبارزه طبقاتی جاری روستائی را که در ده ست پایی (سفلی) از دهات اطراف شهر اراک جریان داشته می‌آوردیم تا بتواند گوشه‌ای از مبارزه انقلابی را نشان دهد.

گزارشی از مبارزات روستائیان "مست" (از دهات اطراف اراک) بر علیه سلیمان خان خانبلوکی مالک ده

- روستائیان مبارزه مست: "آب زمین مال ماست!"
- اعضای شورای ده چون در عمل دیدم که از "دادستان انقلاب" و "دفتر امام" نباید هیچ انتظار طرفداری از زحمتکشان را داشت، شورابه نیروی قدرت خود اهالی متوسل شده و قاطعانه تصمیم می‌گیرند که توسط اهالی هرچه زودتر پیوندها را بچینند.
- روستائیان مبارز با همان قاطعیت خود که مبارزه‌شان را با اینجاساند نمودند زمینها را تصاحب کرد و می‌همایاری و مشارکت همدیگر تمام زمینهای سلیمان خان را برای کشت آماده کرد و بعد برای سال دیگر کشت می‌کنند و تمام این کار بصورت اشتراکی و بدون کشیدن خط و مرز انجام می‌پذیرد.

است. از کارهای رذیله‌ها، دیگر این جا نشی اختلاف انداختن و ایجاد تفرقه در بین روستائیان بود که بارها به زد و خورد انجام می‌دادند. این ماجرا ها نیز روستائیان چندین کشته داده‌اند. همانطور که در بالا اشاره شده این فئودال وابسته به روشهای تهدید آمیز و زور و گشوی و اعمال قدرت و ایجاد در عیب و وخت در بین روستائیان تنها بیش از ۱۵۰ هکتار از بهترین و مرغوب‌ترین زمینهای این روستا را به تصرف خود درآورده بود. این جانی در جنبش توده‌ای ایران نیز جزاق بدستان و مزدوران خود را بسیج کرده و بارها برای سرکوبی انقلابیون اراک و سنجان اراک حمله و یورش برد. از اقدامات کثیف دیگر این مزدور جمع‌کن کردن شناسنامه‌های روستائیان در مواقع انتخابات فرمایشی شاه بود تا به مزدور همدستش رای داده تا بعد به تریبونا ندیه اعتبار همدستانش در ارگانهای دولتی روستائیان را بیشتر استعما ر کرده و تحت فشار قرار دهد.

شروع اولین حرکت توده‌ای دهقانی در تاریخ ۵۸/۷/۲۶ اولین حرکت و راهپیمایی و نظا هرات زحمتکشان روستائی

سیما می از وضعیت جغرافیائی مست سفلی (پائین) ده مست پائین در حدود ۵۵ کیلومتری اراک واقع است. این ده در حدود ۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

سلیمان خان خانبلوکی کیست؟ سلیمان خان خانبلوکی مالک ۱۴ پارچه آبادی در منطقه شهر "بوده‌گا" کنون نیز در دو روستای هم‌جوار مست سفلی بنا می‌های قلعه عباس آباد و طور گبریش از ۲۰۰ هکتار زمین را در تصرف دارد. از طرف دیگر در زمان شاه خاشن ریاست حزب رستاخیز را که یکی از ارگانهای ضد مردمی بود بعهده داشت. از کارهای ساده و پیش پا افتاده این جنایتکار در گذشته شکنجه و قتل و کشتار روستائیان بود که بوسیله‌ایا دی وی انجاء می‌گرفت و روستائیان هیچوقت شکنجه‌های این جنایتکار را که بصورت به بند و تخته کشیدن و شلاق زدن بوده از یاد نمی‌برند و هنوز خاطره روستائیان مبارزی که گنا هان فقط ایستادگی در مقابل زورگویشها و گردن کلفتیهای این فئودال بود و در نتیجه بوسیله‌ایا دیش بقتل رسیده‌اند، از یاد روستائیان "مست" تفرقه

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بقیه از صفحه ۶

جنبش ملی

نبرد بلوچ

"نبرد بلوچ" خبرنامه بلوچستان که شماره چهارم آن بدست ما رسیده است، در صفحه اول خود مقاله کوتاهی دارد که در آن توطئه های خوانین محلی را در منطقه که از یک طرف مورد توجه امپریالیستها و از طرف دیگر مورد حمایت پادشاهی هیت حاکمه اند، افشا نموده و نشان داده است چگونه توطئه ناآگاهانه بلوچ که با لطف الحیل توسط این خوانین مرتجع به خیانتها کشیده میشوند، بدون اینکه خود بدانند به مقاصد پلیدی این ضد انقلابیون خدمت میکنند.

با آرزوی موفقیت برای رفقای "نبرد بلوچ" که وظیفه خطیری در آگاه ساختن توده ها و افشای و طرد خوانین مرتجع در منطقه، بدوش میکشند مقاله یاد شده را عیناً نقل میکنیم:

چابهار (حدود دو هفته پیش)

در چابهار تظاهراتی انجام میگردد که بیشتر شرکت کنندگان آن از رؤسای اطراف چابهار و بیرون منطقه دشتیاری بوده اند، این عده بسیار ناآگاهانه "موادغذایی و خوار و بار" بین آنان تقسیم میکنند و این را هیماشی کشیده میشوند. این تظاهرات که حداکثر از ۲۰۰ نفر بیشتر نبوده در پشت پرده رهبری کا ملادر دست خوانین بوده است، از آنجمله "میرمولا داد" سردار زهی که هم اکنون از طرف "هیئت حاکمه" گرداننده تظاهرات منطقه چابهار است و همه دلورها نیروهای انتظامی شهر بانی و زاندا رمی زیر نظر او انجام وظیفه میکنند!! و همچنین خان زهی ها که با "حاج کریم بخش سعیدی" و "میرمولاداد" که تقریباً نزدیکی فامیلی دارند بقایای جبهه آزادیبخش بلوچستان که در منطقه پراکنده اند و از نظر نظامی نیز قبلاً آموزشهای دیده اند با اتکا نزدیک به خوانین نیز شعارها را می برد و دیوار می نویسند و تا حدودی با این پوشش تظاهرات را میگردانند.

جوانان آگاه و انقلابی چابهار که هدفهای ننگین خوانین را بخوبی تشخیص میدهند، در این روز نبردست با فضا گریهائی میزنند و این نوع حرکتها را فقط بنفع خوانین میدانند، اما با وجود فعالیت چشمگیر جوانان انقلابی این تظاهرات را ادامه میدهند و در پایان قطعاً مهای نیز ما در می شود که نشان دهنده خواستهای بغایت ارتجاعی و ضد مردمی این خوانین میباشد. از خواستهای این خوانین یکی، محکوم کردن گروگانگیری آمریکا شهاب در سفارتخانه آمریکا (در تهران) بوده است که آنجا رفوق العاده زیاندهای انقلابی را بوجود آورد، دیگری آزادی چابهار بصورت یک بندر آزاد بوده اند، چون قاچاقچیان وابسته به خوانین در این راه به پیمانی نقش مهمی داشته اند!! و با خواست دیگر آنان اخراج پاداران و تقویت نیروهای

بقیه در صفحه ۱۱



مسجد سلیمان نظرات دانش آموزان در مسجد سلیمان

در این تظاهرات پلاکارد هائی توسط دانش آموزان حمل میشد که برخی از شعارهای آن چنین بودند:

- در فرماند قانون اساسی، نه مشیت، نه منفی تحریم انقلابی.
- مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران.
- نظامی ها که در شعارهای خود از نفتگران جنوب و همچنین حقوق عادلانه خلقهای ایران پشتیبانی میکردند.

روشنه ۱۵ آذر ماه بمنظور محکوم ساختن توطئه ها و تحریمات امپریالیسم آمریکا و هم چنین اعتراض به قانون اساسی و فرماندهی نظامی توسط دانش آموزان مبارز و دانش آموزان هواداران بیکار در راه آزادی طبقه کارگر برگزار شد، درست قبل از انجام این راهپیمایی چند تن از دانش آموزان مبارز مسجد سلیمان توسط ماموران مسلح دستگیر و خانه هایشان مورد تفتیش قرار گرفت. پاداران، در این تظاهرات مردمی شرکت داشتند هنگام دانش آموزان با زدن آتش را آزاد کنند.

بندر عباس تفتیش عقاید در مدارس بندر عباس

داره آموزش و پرورش بندر عباس، در آغاز سال تحصیلی اردیبهشت ۳۸ تن از معلمان فارغ التحصیل دانشسرای راهمایی جلوگیری نموده و ۱۲ تن از دانشجویان سال دوم دانشسرا را برای تحصیل محروم میسازد. اینان همگی بحریم عقایدشان چنین سرنوشتی دچار شده اند. مدیرکل و معاون آموزش و پرورش بندر عباس که هر دو از مرتجعین بنام میباشند، ۱۱ نفر از معلمان مبارزان را به دلیل عقایدی که داشته اند، اخراج نموده اند.

ساوجبلاغ

بدستال مدور حکم انتقال یکی از آموزگاران مبارز دبیرستان دخترانه شریعتی در نظر آید و ساوجبلاغ، روز ۵۸/۹/۱۷ گروهی از دانش آموزان از رفتن به کلاسها خودداری میکنند. در همین رابطه شش نفر از معلمان دبیرستان نیز استعفا میدهند.

شعربیک دانش آموز

شعربیک دانش آموز که همراه با درس کار هم میکند برای پیکار فرستاده است.

تقدیم به آذرخش و سیف الله و دیگر غنچه های سرخی که در هجوم ارتجاع به گردن پیر شدند.

من می شناسم

من دستان پینه بسته را می شناسم
چونکه دستهای خود پینه دارد
من اسانهای گرسنه را می شناسم
چونکه خودم گرسنگی کشیده ام
من چهره زشت و ترسناک فقر را می شناسم
چونکه خودم چهره اش را دیده ام
من حسگی کارگر را می شناسم
چونکه خودم کارگر هستم
من سوزش شکنجه را می شناسم

این اعمال غیر انسانی خشم و نفرت مردم و بیوزده دانش آموزان را برانگیخته است. هم اکنون مدیرکل و معاونش در مساجد با دروغ پردازی های خود میخواهند مردم را بر علیه معلمان آگاه و دانش آموزان مبارز ترسان بفرستند، لکن از طرف دیگر دانش آموزان نیز با راهپیمایی ها و افشای گریه های خود پرده زچهره گریه این دونفر برداشته اند تا جا نشکند و در نهایت که این دومرتجع از ترس خشم خلق فراری شوند.

اعتراض به تفتیش معلمان آگاه

تفتیش و یا تبعید معلمان آگاه و مبارزان از طرف مقامات آموزش و پرورش اینک به یک امر عادی تبدیل شده است. به همین دلیل هم هست که دانش آموزان مدارس هر جا که چنین اعمال ضد انسانی و فزون و سلاطین و بیوزده میشوند دست از مخالفت و اعتراض برنداشته و خواهان باقی معلمان آگاه و مبارزان در مدارس خود میباشند.

چونکه کاری که میبکشد خود شکنجه است
من از سرما به دار کینه دارم
چونکه تمام بدبختیهای ما از اوست
من فریاد در جبران را می شناسم
چون خودم فریاد می زنم
من به بیروزی خلق ایمان دارم
به همین خاطر برای این بیروزی تلاش می کنم.

دانش آموزان اول هنرستان - "تادر"



«کاپیتولاسیون» روحانیت!!

آیا روحانیون مصونیت قانونی دارند؟!

در زمان رژیم مزدور شاه، «توانین» ارتجاعی تنها در مورد زحمتکشان جا معه و افراد بدون پول و پارتی به اجرا در نمی آمد. مثلاً در حالی که خانواده شنگین بهلوی خود در قاچاقهای بزرگ دست داشتند، کم نبودند کسانی که از روی ناچاری دست به قاچاقهای جزئی میزدند و خوبه داربازندانی طولانی مدت نصیبشان میشد. امروز هم در جمهوری اسلامی، روحانیون از جمله کسانی هستند که «قانون» در مورد آنها نقض می شود. دادگاه ویژه معصمن! در مورد بسیاری از روحانیون که سالها به شنا گویی شاه خاشن مشغول بودند و به تحقیق و فریب توده های می پرداختند، تنها به خلع لباس آنها اکتفا می کرد. (مانند مهاجرانی و...) و اینک موردی دیگر! روزنامه های بعد از قیام را کوه ورق بزنی، به نمونه های زیادی بر می خوری که افرادی را بجز عمل لواط اعدام کرده اند (برای مثال، با مداد ۵۸/۸/۵۸/۸ (۲ ص) اینکه به معلولها بچسبی و عاملها را در نظر نگیری، اینکه پشه ها را بکشی ولی مرداب را خشکانی مسئله ای است که باید جای دیگری باشد آن پرداخت، اما در اینجا بحث بر سر اینست که اگر در جمهوری اسلامی، کیفر لواط اعدام است، پس چرا در مورد حجت الاسلام کاظم گلرو این کیفر اجرا نشد؟ قبل از بیان موردی که از ابتدا لازم است به گونه ای از گذشته و سابق او اشاره شود، تا عمق قضیه روشنتر گردد!

حجت الاسلام کاظم گلرو پس از سر خوردن از تحصیل در دبیرستان به حوزه علمیه قم می رود. در دوران تحصیل علوم دینی با رها از او اخراج اخلاقی دیده میشود. او بعدها بعثت بخش اعلامیه دستگیر و چند سال زندان محکوم گردید. گلرو در زندان در زندان علیه زندانیان سیاسی با پلیس همکاری میکند. وی حتی پس از آزادی از زندان همکاری را با ساوا ادامه می دهد. (بطوریکه بعضی از اقوام او به همین جهت با او قطع رابطه میکنند) کسانی که سال ۵۴ در زندان شماره یک قمر

اسیر بودند بیا دمی آوردند که ایشان زیر پوشش تدریس نهج البلاغه قصد تجاوز به زندانیانی نوجوانی را داشتند. گلرو که فردی شک پرست، شهوت ران و خوش گذران است در جریان قیام ما سند بسیاری دیگر خود را «انقلابی» جا میزند و در مرحله خود (دروازه دولا) پیشنهاد شده وعده های از جوانان را بدنبال خود میکشد. ایشان پس از قیام مدتی رئیس کمیته منطقه دروازه دولا بوده و سپس بعنوان نماینده امام به مریوان اعزام میشود.

ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۲ / ۵۸/۸ یکی از همایگان حاجی گلرو، مشاوره میدهد میگوید که دختری چادرشکی همراه حجت الاسلام گلرو از ماشین بنز حجت الاسلام پنهان شده و بدو پیغام می دهند. از آنجا که وی در مورد حاجی گلرو حرفهای شنیده بود و دختر را همان کتون با حجت الاسلام ندیده بود شک کرده و از وی پرسش کرد. وی به پشت بام میرود و منزل او را زیر نظر می گیرد. پس از چند دقیقه ناچارانه متوجه میشود که حجت الاسلام با دختر مذکور سرگرم است. همایگان را خبر کرده و آنها را در جریان قرار می دهد. آنها دختر را هنگام از خانه حجت الاسلام دستگیر کرده و به کلانتری ۱۴ (میدان خراسان) می برند. دختر در کلانتری قرار می کند، و مردم خواستار دستگیری حجت الاسلام میشوند. پاسدارانیکه برای دستگیری گلرو می روند، بی نتیجه برمی گردند. حجت الاسلام از خانه خارج شده بود. در بازگشت گلرو مردم او را به کلانتری می برند و خواستار مجازاتش می شوند، اما فردا صبح مثل هر روز دیگر حجت الاسلام گلرو در مرحله دیده میشود. برای مردمی که در جریان اعمال تنگین او بودند، حضور دوباره اش در مرحله، توهینی بود بخون پاک شهیدان. بار دیگر «عدل» اسلامی، بایک تلفن «قانون» را در مورد او «اجرا» کرده بود. آری، امروز در حالی که باندگوهایی از جناح پیشروانه ترین اشیا ما، راه نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها نیست میدهند، موجوداتی نظیر گلرو، با آنچه آلودگی خود را «انقلابی» جا زده و در مواردی حتی در رأس سازمانهای مهمل دولتی قرار گرفته اند!



تهران، اعضا و کادرهای سازمان را ملاحظه نموده و به آنها رهنمود میداد. در حل مسائل و شان باری و کمک میکرد و به آموزش سیاسی و نظامی همزمانش همت میگماشت. او با تحلیل مشکلات و سختیها به دیدن قاچاقچی اسلحه و مهمات جنگی میرفت. و بدین ترتیب در سازمان دهنی و تجهیز مجدد سازمان و کمراست کردن تشکیلات درهم ریخته معاهدین نقش تعیین کننده ای باز کرد. رفیق در سال ۵۱ یکبار وقتیکه از جانب افراد تعقیب و مراقبت ساواک تعقیب میشد و در محاصره آنان قرار داشت، با هشاری تمام از دامن گریخت. او با حفظ سمت رهبری سال ۵۵ در تمامی عملیات مهم نظامی که بر علیه رژیم شاه مزدور و امیرالاستها صورت میگرفت نقش فرمانده مشورتی داشت. عملیاتی نظیر اعدام ژنرال آمریکایی پرایس، اعدام انقلابی

سرهنگ آمریکایی ها و کینز، اعدام مستشار نظامی دیگرو اعدام سه مستشاران آمریکایی نیروی هوایی در تابستان ۵۵، اعدام سرتیپ زندی پور (رئیس کمیته مشترک...) و انفجار شهرداری شمیران نو- که خانه های زحمتکشان را بر سرشان خراب میکرد و عمل نا موفق ترسور شعبان جعفری و... که اینها همه حکایت از قابلیت سازماندهی رفیق دارد.

درست است که این رفقا در چرخه رجوی مشی چریکی عمل می کردند، مشی ای که او را نتوانستنی و غیر برولتری بود. اما نفی مشی چریکی بهیچوجه به معنای نفی ملاحظات و قدرت سازماندهی آیین رفقا نیست، ملاحظاتی و توانایی که می تواند (و امروز شاهدش هستیم که توانسته است) با طرد مشی غلط و انحرافی در خدمت مشی و سرنامه، صبیح قرار گیرد. از آنجا که رفیق در جریان تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق در موضع رهبری نقش مهمی داشت، و به همین لحاظ در تمامی انتقادات اساسی که به این دوره از عملکردهای «بخش مشعوب» وارد است، انتقادات و واردات به رفیق را نیز فراوانی نمیکشیم. انتقاداتی که با آنها در جاهای متعدد مرز بندی کرده ایم (۳) به آنها گونیم کشاندن تضادهای درون خلقی، غصب نام سازمان مجاهدین پس از سال ۵۴، جدا ساختن برولتا را از بخش بزرگی از قشار خرده بورژوازی، نحوه برخورد، برهمنی رفقای فدائی و... همه و همه از جمله این نظرات و عملکردها است. ولی برای کسانی که ممکن است مسئله برایشان روشن نباشد و منظور جلوه گیری از استفاده های مفرطانه و فرصت طلبانه، لازم است توضیح دهیم که:

اشتباهات و عملکردهای انحرافی که یک سازمان و یا حزب انقلابی و رهبران آن مرتکب میگردند تا آنجا که این سازمان و حزب و رهبران آن در حیطه انقلاب قرار دارند و بر علیه دشمن خلق میروند، اشتباهاتی است که در جبهه خلق بوقوع پیوسته و نحوه برخورد با آن کاملاً آموزشی و انتقادی است نه فیزیکی و خصمانه و نازیستی که یک عنصر خطا کار سازمانی حاضر است با صلاح خود بپردازد و علیرغم عملکردهای نادرستی که داشته در جبهه انقلاب بهمانندوبه خلق خدمت کند، و طیفه ماست که مانند یک رفیق به او در این پروسه اصلاح و انتقاد از خود کمک کنیم. پس برای برخورد ما به رفقای شهیدی نظیر بهرام آرام با یستی از این دیدگاه باشد، نه از موضع خصمانه. او تا آخرین نفس بر علیه امیرالایم رژیم شاه مزدور جنگید و به شهادت رسید.

با این توضیح به برخی دیگر از رویداد های زندگی مبارزاتی وی اشاره میکنیم: رفیق، بهرام آرام یکبار دیگر در آن سال ۵۴ در خیابان شیوا با مزدوران ساواک ملحق به درگیر شد، ولی موفق نشد از جنگ آنان فرار کند. در سال ۵۵ سیر رفیق در یک خانه شبانی (واقع در خیابان بوستان سعدی) به محاصره مزدوران کمیته در آمدولی باز موفق نشد از جنگ آنان فرار کند. سرانجام در ۲۵ آبان ماه ۵۵ در خیابان شیوا طی یک درگیری ملحقانه به شهادت رسید. بادش گرامی باد.

(۳) رجوع کنید به اطلاعیه مهرماه و تحلیلی بر تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین (فروردین ماه ۵۸)

بقیه از صفحه ۲۰

گرامی باد ...

نجات بقایای سازمان از بورژوازی پلیس و سازمان دهنی مجدد آن همت گماشت.

پس از برپای دیگر کله طایفه ای از رهبران سازمان مجاهدین از جمله شهید: رسول مشکین فام، امیر بدیع زادگان، محمد حنیف - نژاد و مسئولین سازمان دستگیر شدند. سازمان عملیاتلانی و شدت درهم ریخته شده بود. اما رفیق شهید بهرام آرام در کنار مجاهدین شهید احمد و رضا، توانستند با تلاش پیگیر و رهبری و هدایت کارها بر مسائل و بحران سازمان فائق آیند. در این میان بهرام بیش از هر کس دیگر با مسائل عملی و مشکلات روزمره دست و پنجه نرم میکرد. او هنگامیکه گشتیهای شهر بانی و کمیته بدنبال شکار انقلابیون، بخصوص رهبران آنها میگشتند، در خیابانها و کوچه های

رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" -۳- و موضعگیری های نیروهای مختلف سیاسی درباره آن

بیشتر خود را نشان می‌دهد که قدری به عقب برگردیم و نگاهی به "مردم" بیاندازیم، آنوقت است که نمیتوانیم به پشت و آروزدنهای این آقایان "احسن، نگوئیم!

● درحالیکه تمام نیروهای راستین انقلاب اعم از چپ و غیرچپ میگویند این قانون اساسی "سرما یه داری را برسمیت شناخته"، آزادی های دموکراتیک را زیر پا گذاشته است و حقوق زحمتکشان را نفی کرده است و ریزبونیستهای توده ای در هنگام رفراندوم بر عکس آن استدلال میکنند!

در آزمون "شرایط" ایجاب نمیکرد که ریزبونیستها قانون اساسی "خبرگان" را مانند امروز (بطور عمده) تحسین کنند و از فواید آن حرف بزنند؛ لشکرکشی ارتجاع به گردستان و شکست مفتضاحه در آنجا، هجوم به مطبوعات و سازمانهای سیاسی و... و عدم پاسخگویی به مسائل توده ها، همه و همه باعث شده بود که توده ها بر سرعت از توهم نسبت به رژیم بیرون آیند. در یک کلام ارتجاع در شرایط انفرادی قرار داشت. حزب توده نیز تا چارپود خود را تا حدی با این شرایط تطبیق دهد و برای اینکه توده های نا آگاهی را که دور وی جمع شده اند از دست ندهد، رادیکال نمائی کند. بنابراین خوانندگان این سطور تعجب نخواهند کرد که در مردم شماره ۵۶ - دهم مهر ماه ۵۸ بخوانند: "نکات مثبت و ثلایوده های درست پیشینویس قانون اساسی خرد اما که می توانست پایه محکمی برای بهبود آن و تنظیم یک قانون اساسی مناسب و ثابته جمهوری اسلامی و درخور انقلاب بزرگ مردم ایران باشد، زیر نام و به بهانه "اسلامی کردن قانون اساسی" به تدریج و گام به گام به کناری نهاده شده و میشود و تنها و بندرت و به استثنای برخی نکات مثبت باقی میماند، یا آشکارا تحریف نمیشود،"

ما از این موضوع میگذریم که پیشینویس قانون اساسی که ریزبونیستهای توده ای بدان استناد میکنند، چه بود و چه نبود، ولی میبینیم که حزب توده اعتراف میکند که "نکات مثبت و ثلایوده های درست" پیشینویس کنایه رفته و تنها "بندرت" و "با استثنای" نکات مثبت باقی میماند" با بزیان ساده حزب توده قبول نمی کند که قانون اساسی خبرگان بطور عمده در جهت خلاف مصالح مردم است.

درباره اصل ۲۷ قانون اساسی خبرگان که از مهمترین مسائل مربوط به "مورا اقتصادی" است، حزب توده چیزی را که امروز آن تعریف و تمجید میکنند و آنرا یکی از دلایل "دادان رای

داخلی از رشته های مهم و حیاتی... یا اصول مربوط به تحکیم استقلال سیاسی و نظامی... یا اصل نظام شورائی... (که) در اساس نظام شورائی را پذیرفته و تثبیت کرده است و با اصل مربوط به آزادیهای احزاب و جمعیتها و انجمنها و مطبوعات و غیره... یا اصل مربوط به ممکن و بهداشت و آموزش... از این استدلال بوی گنداب ریزبونیستی میماند. میرسد، اینها زمانی از "مثبت بودن" فصل امور اقتصادی و... قطع جنگال سرمایه های انحصاری امپریالیستی و... حرف می زنند که تمام نیروهای انقلابی دمکرات اعم از چپ و غیرچپ با وجود اختلافاتی که در ارزیابی از قانون اساسی خبرگان دارند - اختلافاتی که بر دیدگاه طبقاتی آنان مربوط میشود - آنجا که به سلطه امپریالیستی و سرمایه داری وابسته یا بقول حزب توده به "فصل امور اقتصادی" می رسند، در این نظر مشترکند که "قانون اساسی "خبرگان" سرما یه داری و وابسته را عملاً برسمیت شناخته است" در این مورد قضا بیا

آغذر واضح و آشکار است که حتی نیروهای نظیر سازمان مجاهدین خلق "که قتل از این با سازشکاری آنان با رژیم حاکمه در مورد کردستان، در مورد رفراندوم گذاشتن جمهوری اسلامی و... آشنائی داریم، با دست پخت مجلس خبرگان مرز بندی میکنند، آنها از موضوعی مترقیانه بگی از دلایل "رای مثبت دادن" را عدم "الفا تمام قراردادهای تنگین استعمار" و قطع وابستگی های امپریالیستی و ملی کردن کلیه سرما یه گذاریها و سهام مربوط به ویژه در رابطه با امپریالیسم آمریکادشمن اصلی ما" توسط مجلس خبرگان میداند.

در مورد نظام شورائی، آزادی احزاب نیز دیگر سخن نمی گوئیم، چرا که ما به همراه تمام نیروهای راستین انقلاب نشان داده ایم که این قانون چنین مواردی را نه فقط تصریح کرده، بلکه آنرا زیر پا نیز گذاشته است

(مراجعہ کنید به مقالات پیکار در مورد قانون اساسی و اطلاعیه و اعلامیه س.ج.ف.خ. در مورد تحریم قانون اساسی و همینطور دلایلی که سازمان مجاهدین خلق در بند ۴ و ۵ و ۶ از ۷ بند دلایل خودداری از دادن رای مثبت عنوان کرده است - تلگراف مورخ ۲۳ آبان به مجلس خبرگان) و همینطور اصل مربوط به ممکن و آموزش و پرورش و بهداشت و... که جزء خواست های اساسی زحمتکشان است و "خبرگان" بنا بر سرمایه خود و وابسته اند به آنها پاسخ مثبت دهند.

مان به نرخ روز خوردن با منافق گوئی

اما چهره ریزبونیستهای توده ای زمانی

ریزبونیستها و قانون اساسی

در شماره قبل به موضعگیری لیسرا لیا و ریزبونیستهای سجهانی در باره رفراندوم قانون اساسی اشاره کردیم، اینک بحث مربوط به ریزبونیستها را ادامه میدهم.

ب- موضعگیری ریزبونیستهای توده ای:

"حزب توده" با پیروی از تئوری ریزبونیستی "راه رشد سرمایه داری" که در واقع راه رند و نفوذ و سلطه سوسال امپریالیسم شوروی را نشان میدهد و با توجه به مسائلی که با رژیم کمونی ایران که بر اساس عرضه یکری بیستها داب و "نصایح" از یک طرف و تأکید اساسی ترین عملکردهای رژیم از طرف راست فریکارانه برای "جمهوری اسلامی" گرفته تا شرکت در راهیمائی "قدس و وحدت" (حزب جمهوری اسلامی و شرکا) قرار دارد، اینسار نیز در سرورکی خود را در آستانه تسوی سورژوازی به نحو احسن نشان داد و با دادن رای "آری" آن هم در مقابلترین شکل خویش (ثابت کرد که تا کجا از مانع خلق فاصله دارد و چگونه در جبهه خدا انقلاب استوار و ثابت قدم میباشد!

ریزبونیستهای توده ای با دادن رای "آری" به قانون اساسی برای چندمین بار نشان دادند که چگونه حاضرند ما بندتها می ریزبونیستها و ابورنونیستها و تمام می دشمنان طبقاتی را که در عرصه عوم کسند و حتی حرفهای خود را که تنها یکی دو ماه پیش زده اند، زیر پا بگذارند. حزب توده برای شرکت خود در رفراندوم و دادن رای آری به آن "استدلالات" سه گانه ای را طرح کرد که در زیر آنرا با ختمار ملاحظه خواهید کرد:

"استدلالات حزب توده"

اولین استدلال حزب توده اینست که:

"بحث قابل توجهی از اصول عمده قانون اساسی توانسته است بطور مثبت مسائل مطروحه را حل کند. از این قبیل است، فصل امور اقتصادی و امولی که در زمینه تحکیم استقلال اقتصادی کشور و جلوگیری از استثمار و کمک به زحمتکشان و در جهت قطع جنگال سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های غارتگر وابسته

(۱) - در راهیمائی با اصطلاح "قدس" زمینه تنها هم و لشکرکشی به گردستان و مطبوعات (و از جمله خود "مردم") و بستن دفاتر سازمانهای انقلابی و حتی ریزبونیستها (نظیر حزب توده) و زمینه اعدام انقلابیون خلق کرد چیده شد و حزب توده با شرکت در این راهیمائی بر تمام خواست های ارتجاعی ترتیب دهنده گان این نمایش مضحک پاسخ مثبت داد. در راهیمائی "وحدت" نیز که هدف کوسیدن نیروهای دمکرات مذهبی (علاوه بر نیروهای راستین چپ) و ادامه کشتار خلق کرد و... بود، باز حزب توده به خواست "حزب جمهوری اسلامی" و شرکای ارتجاعی او لبیک گفت!

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

داشت ...

حزب توده دیگر حتی حرفهای دوما به پیش خود را هم فراموش میکند و از توده ها میخواهد که به قانون اساسی رای آری بدهد، چرا که این مهم نیست این قوانین ارتجاعی و ضد انقلابی باشند، بلکه خود توده ها باید به درستی با نا درستی آن برسند! این استدلال شما می آید و تونیستی ها و روبریونیستی ها که عنصر آگاه و پیشرو انقلابی را همیشه نمی بینند. آری، این منطقی است که حزب توده با آن در زمان شاه نیز حاضر بود (همانند لیبیرالها) سلطنت با شدولی دیکتاتوری شاه نباشد! با این قبیل استدلالها که حزب توده در راهیما می اول ماه مه چون اکثریت توده های نا آگاه، در پشت سر حزب جمهوری اسلامی قرار داشتند بدینال آتیا روا نند! با این استدلال بود که حزب توده با ز در راهیما می با مصطلح "قدس که هدف آن ایجاد زمینه برای لشکرکشی به کردستان، حمله به مطبوعات و نیروهای انقلابی بود، شرکت کرد، (برای اینکه بقول خودش از مردم جدا بماند) و با این استدلال بود که حزب توده در راهیما می با مصطلح "وحد" که هدف آن کوبیدن نیروهای دمکرات مذهبی از جانب مرتجعین "حزب جمهوری اسلامی" و شرکت بود، شرکت کرد، آری، در گذشته حزب توده در ایجاد زمینه برای کشتار خلق شرکت، کوبیدن دمکراتهای مذهبی عملیات انجام و در عمل شده است و اینک مهر سیاه خود را در کنار لیبیرالهای سهم در قدرت و قتل و مذبذبه و روبریونیستی ها به جانی سربای قانون اساسی، این زنجیر و بندهای رحمت - کشتن میگذارد.

(۱۸۱ امه دارد)

نقد از صفحه ۸

جنش ملی

ژاندارمری و شهریاری بوده است، چور و سرکشی و زور و دیند ژاندارمری برای شان قملاکا ملا مقید بوده است و وجود پاداران را فقط در همین رابط محکوم میکنند چیز دیگر، قابل یادآوری است که "جبری" اساندارمستان و بلوچستان را همین عده بگروگان گرفته بودند.

این وظیفه جوانان آگاه و انقلابی در بلوچستان میباید شد که بدون هیچگونه سستی به افشای همه جا نیه امیربا لیستیا سوز امیربا - لیسم آمریکا، ارتجاع حاکم در ایران و در منطقه (خوانین و...) بپردازند. ■



مثبت دادند) "درمورد مهمی از خواست و منو - یات مردم مردم و اهداف انقلاب بزرگ ما فاصله گرفته است" (مردم شماره ۶، ۱۷ مهر ۵۸)

● روبریونیستی های توده ای با دادن رای "آری" به قانون اساسی برای چندمین بار نشان دادند که چگونه حاضرند ما نندت می روبریونیستی ها و اپورتونیستی ها و تمام دشمنان طبقه کارگر رنگ عوض کنند و حتی حرفهای خود را که تنها یکی دوما به پیش زده اند، زیر پا گذارند.

حال که تناقض گوئی این چاکران آستان قدرتمندان را ملاحظه کردید، اجازه دهید نکته دیگری را نیز تذکر دهیم: تا دیگر جرای حریف باقی نماند، ممکن است روبریونیستی ها عنوان کنند خوب این حرفهای که ما تا اصل ۶۹ (که تا مردم شماره ۶۴ - ۲۱ مهر ماه ۵۸) زده ایم شامل کمترین تعاضد اصول قانون اساسی است و ما تا این تاریخ راجع به تمام مواد اظهار نظر نکرده ایم. در پاسخ باید گفت که بررسی - هایی که تا مردم شماره ۶۴ صورت گرفته شامل اساسی ترین مسائل مربوط به "اصول کلی قانون اساسی"، "فصل مربوط به امور اقتصادی" و "حقوق ملیتها" و "زنان" و "آزادیهای دمکراتیک" میباشد و برای اینها نمیتوانستند گریبان خود را از اینهمه تناقض گوئی که صفحه ای دیگر بر صفحات کارنامه سیاه عملکردشان میافزاید، رها سازند.

اما چیزی که به حزب توده اجازه داد تا با این راحتی رنگ عوض کند (هرچند که برای روبریونیستی های خا شنی مثل اساندارمستان رنگ عوض کردن کاری ندارد) شرایط و محیطی بود که پس از اشغال سفارت بوجود آمد، بدین معنی که هیئت حاکمه توانست با هماهنگی شان دادن خود با مبارزات توده ها بر علیه امیربا لیسم با فریادهای دروغین ضد امیربا لیستی بسیار دیگر و چند روزی بیشتر نظر توده ها را نسبت به خود جلب کند و تخته های دروغین امید را در دل آنان نسبت بخود بکار داند و از این طریق و با استفا - ده از احساسات مذهبی توده ها در روزهای ماه محرم (عاشورا) آنها را بپای صندوق رای بکشانند.

حزب توده در چنین شرایطی، تمامی کوشش خود را بکار برد تا توده ها را زیر پرچم ما حسان قدرت فرا خواند یعنی همان کسانیکه خلقی کرد را بخاک و خون کشیدند، همانها شیکه ۹ ماه تمام حاضر شدند در دادگاههای مهم امیربا لیستی را افشا و لغو سازند (جزئیکی در مورد، انهم از شرط نا جاری ویرای بختی در مردم).
دومین "استدلال" حزب توده را همین موضوع تشکیل میدهد، آنها هم آواز با هیئت حاکمه و با علم کردن همان دلایلی که رژیم برای پشای صندوق کشیدن توده های نا آگاه عنوان میکنند که بایستی مردم با شرکت در فرایند گذاشتن "نگذارند که مسئله شرکت در همه پرسی با نحوه رای دادن به آن به دستاویز در جنگ دشمن مایدل گردد...!"

اما سومین دلیل حزب توده:

"این زندگی واقعی مردم و مبارزه سیرو های انقلابی است که نقش تعیین کننده را دارد و هر سندی، بهر نحو تدوین و تهیه شود بدون حمایت مردم و بدون انطباق با نیاز زمان، قدرت اجرایی نخواهد

مثبت "میباشد غیر قابل قبول میداند و میگوید "متن جدید مصوبه خبرگان با افزودن همین

یک کلمه (مال) تمامی روح و مفهوم را تغییر داده و آنرا غیر قابل قبول ساخته است" (مردم شماره ۶۰ - ۱۶ مهر ماه ۵۸)

(خود اصل ۲۷ چنین است: "حیثیت، جان و مال حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض ممنون شناخته شده است")

و با درجائی دیگر از مردم میخوانیم:

"گروه نیرومندی در این مجلس با این عوض کردنها و جایگزین کردنها (منظور عوض نمودن و جایگزین کردن قانون فعلی با پیش نویس قبلی است) تلاش کرده و موفق هم شده که تاکنون متنی را تهیه کنند فاقد تمهید درباره اساسی ترین موازین آزادیهای فردی و اجتماعی و با بدون مراحت وضمانت، بدون تضمین آزادی - های اساسی دمکراتیک ما میهم و کشتار فارغ از تضمین جدی حقوق و منافع توده های زحمتکش دهقانان و کارگران و زنان و اقلیتها و ملیتها و با قابل تفسیر و تاویل (مردم شماره ۵۶ - دهم مهر ماه ۵۸)

می بینیم که چگونه روبریونیستی ها (تنها دوما قبل) اعتراف میکنند قانون اساسی خبرگان نه "آزادیهای اساسی دمکراتیک" و نه حقوق و منافع توده های زحمتکش دهقانان و کارگران و... "هیچکدام را تضمین نمیکنند... ولی امروز همه حرفهایشان را زیر پا میگذارند!

در مورد "شوراها" روبریونیستی ها قبلا گفته اند که... متن مصوبه خبرگان از چنین شالوده ای (شالوده ای که بنظرشان تا میسر کننده منافع مردم است) بسیار به دور است. در حالیکه یک نظام شورائی راستین و خلقی با احترام به نظروای مردم هر محصل میتواند بدترین شیوه حل مسئله را در دسترس بگذارد" (مردم شماره ۶۰ - ۱۶ مهر ماه ۵۸) - تا کید ازماست -

می بینید نان به نرخ روز خوردن چه کاری دست "دم" میدهد؟! دیروز شورا های مورد نظر خبرگان از آنچه که باید باشد (حتی به نظر خود این روبریونیستی ها)، "بسیار بدو است" و "راستین" و "خلقیت" نیست، اما امروز قانون اساسی "خبرگان" اصل نظام شورائی را "در... در... پذیرفته و تثبیت کرده است...!" (اعلامیه کمیته مرکزی، ۵۸/۹/۶)

فکر میکنیم دیگر، هر خواننده ای را حتی به تنه قش گوشتیهای این آفایان تا رلاتان پی برده باشد... تنها یکی دو نقل قول دیگر را بدون هر گونه تعبیر و تفسیری نقل میکنیم تا جای هیچگونه ابهام در اینک ایما ن تا کجا حاضرند رنگ عوض کنند و ما بدو قفا و ت را بخود خواننده و اگذار میکنیم:

"در واقع نیز مجلس خبرگان با فاصله گرفتن از متن پیش نویس اولیه که به بحث عمومی گذاشته شده بود و خود مجلس خبرگان اصول برای بررسی آن و نه چیز دیگری برگزیده شده بود، مشروعیت خود، مقبولیت خود، و قانونیت مصوبات خود را متزلزل ساخت" (مردم شماره ۵۶ - ۱۵ مهر ماه ۵۸)

متن جدید (منظور همان متنی که بدان رای

(قسمت آخر)

بمناسبت ۲۱ آذر:

یاشاسین بیزیم ترک خلقمیز!

گرامی باد خاطره قیام پرشکوه خلق آذربایجان

که مردم ایران انتظار داشتند انوکری چون قوام با طناب دار استقبال کنند، رهبران فرصت طلب حزب توده، "حل صحیح" مسئله آذربایجان و "رفاه" ملت ایران را از قوام می طلبیدند!

سهرجال قوام در پی تماشای بارهبران

شوری برآمد و آشنایان نیز آنرا پذیرفتند.

مناسفانه شوری استالینی در آن هنگام یکی

از بزرگترین اشتباهات خود را نسبت به خلق

مبارز ما انجام داد. خلق ما هیچگاه این عمل

شوری سوسیالیستی تحت رهبری استالین را

که در آن لحظات حساس منافع خلق ما را

وجه المصلحت منافع خود قرار دادند، فراموش

نخواهد کرد. مذاکرات قوام با استالین و

مولوتوف در مسکو انجام گرفت و استالین

تقاضای امتیاز استخراج نفت شمال را کرد و

در عوض قول دادند که مجلس ملی آذربایجان

به همان انجمن های ایالتی و ولایتی که در

قانون اساسی سابق آمده بود و هیچگاه اجرا

نگردید تبدیل شود. موافقت نامه قوام -

مارچیکف خط بلطانی بودیرتاما - مبنای ارت

قهرمانانه خلقهای ایران و بویژه خلق آذر -

بایجان - خلق قهرمان با حق انتظار داشت

که در آن هنگام اگر حکومت شوروی قادر به

حمایت از جنبش انقلابی در کشور ما نیست ارتش

خود را از کشور خارج ساخته و لااقل آنرا با زبچه

منافع تنگ نظران و ناسیونالیستی قسار

ندهد و با این عمل با حیثیت شوروی سوسیال -

لیستی و منافع خلقهای ما بازی نکند، ولی

افسوس!

هنوز با زبهای ارتجاع به پایان نرسیده بود

دومین دام قوام تشکیل کا بینه اشتلاقی بود.

رهبران حزب توده و حزب ایران خا شانه در آن

شرایط به خلق پشت کرده و در دولتی قرار گرفتند

که ما مورتدارک برای سرکوب خونین جنبش

انقلابی بود.

اما این تمام با زبهای قوام نبود، ولی

ما بدلیل اختصار از آوردن تمام آنها صرف نظر

میکنیم.

هجوم بیرحمانه ارتجاع و شکست خلق

بندبا زبهای قوام بی پایان رسیده بود و حال

شرایط آن فراهم آمده بود تا پرده های فریب و

نیرنگ کا ملایه کناری رفته و سرکوب خونین خلق

آغاز شود. قوام که خیالش از جانب رهبران

شوروی کا ملا آلوده بود به ارتش دستور داد که

برای "نظارت" انتخابات مجلس به آذر -

بایجان برود. درست همان روزی که قوام خا شن

دستور حمله به آذربایجان را داده بود مسئولین

شوروی رسماً از بینه دوری خوا ستند که نیروهای

مصلح آذربایجان بنا بد در برابر ارتش ایستاد -

گی کنند. از روزهای سائزدهم و هفدهم آذر ماه

تد و قدرت دوگانه بین حکومت دمکراتیک

آذربایجان و حکومت ارتجاع بوجود آمد.

جنبش دمکراتیک آذربایجان و تشکیل

حکومت ملی خلقهای سرنگشور راه هجیان

آورد. همه به حق منتظر بودند که حکومت ملی

سپح نظامی داده و برای سرنگ کردن حکومت

تهران حرکت کند. شکی نبود که ارتجاع انقلابی

در سرانگشور موجود بود و زمان برای تعمقه

حساب با ارتجاع و امیربالیسم فرا رسیده بود.

ولی این انتظار سپه بوده بود زیرا فرصت طلبانی

که بقدر خرید و بودند، دیگر منافع خود را

نامین با فقه می دیدند و منافع از حرکت قاطع و

انقلابی خلق بر علیه ارتجاع و امیربالیسم

نمی شدند.

بالا ملد پس: تشکیل حکومت ملی در

آذربایجان خلق کرد نیز به رهبری قاضی محمد

طی نظارات وسیعی تشکیل حکومت کردستان را

رسماً اعلام نمود و دوم بهمن ماه همان سال

مجلس ملی کردستان منعقد و قاضی محمد راه به

عنوان صدر حکومت ملی انتخاب نمود.

ما سوره های ارتجاع، تسلیم طلبی حزب توده

و اشتباهات دولت شوروی

ارتجاع که بیابایی در مقابل حرکت توده ها

در ارتگت می شد سخت بهنگا بو افتاد. روز اول

بهمن ماه ۱۳۲۴ نخست وزیر حکیمی که با

مشکلات سیاسی فراوانی روبرو بود و شانس

مذاکره با دولت شوروی را نیز نداشت ناچار به

استعفا گردید و در ششم بهمن احمد قوام (قوام -

السلطه) سوگرا شده سرکار آمد. قوام

کسی نبود که نا شناخته باشد. سالها سرپرستی

وی به امیربالیسم و دربار و اراکا و بیستانی سفید

کرده بود. ولی فرصت طلبان با روی کار آمدن

قوام و رست های "دمکرات" منشا نه ای که او

می گرفت بر عت رنگ باختند و تسلیم او شدند.

حزب توده در این باره نوشت: "بعضی زمام -

داری آقای قوام السلطه چون بر ما مسلط

گردید که موضوع اصلاح روابط با همایگان در

سرلوحه، بر نامه، اینان قرار گرفته است و مصمم

هستند سیاست خارجی ایران را بر اساس محکم و

متین بنیان نهند و در امور داخلی دست به یک

سلسله اصلاحات اساسی بمنظور تسهیل آزادی و

رفاه حال مردم ایران بزنند و همچنین

چون واضح شد که آقای نخست وزیر عزم دارند

موضوع آذربایجان را به نحو منطقی و صحیحی که

نا بیسته، یک دولت دمکرات و مترقی است حل

نمایند، بدون هیچگونه قید و شرطی با تمام

نیروی تشکیلاتی خود ارایشان پشتیبانی

مؤدیم (۱). زهی، بیشترین و ناعنت. در زما -

از

(۱) - رهبر، شماره ۲۴ - ۲۵/۲/۲۴

ا علامیه، کمیته، مرکزی حزب توده.

در شمار قبیل راجع به مطالبی که رژیم
شاک پهلوی نسبت به خلق آذربایجان روا میداشت و
زمینه های موجود آمدن فرقه دموکرات و سران
و نظرات آن اشاره کردیم اینک ادامه بحث:

خلق به بیس منازاد ارتجاع بوحش می افتند

تشکیل فرقه دموکرات و این مسئله که

آذربایجان در منطقه نفوذ ارتش سرخ قرار

داشت: ارتجاع را بسند بهراس افکند. این

بود که دولت صدرالاراف که در آن موقع کا بینه

را درست داشت سید مهدی فرح را که ساقیه

سکسی در دوره دیگسای سوری رضا شاه دانست به

استاداری آذربایجان منصوب کرد. فرقه

دموکرات در پاسخ به این عمل ارتجاع روز

هفتم مهرماه ۱۳۲۴ قطعاً مدای صادر کرده و

سبب سبب به این استعاب اعراض کرد. موج

رنج سبب شده حسن سوده ای صدر راه وحش

انداخته و از سران سید مهدی فرح منصرف

ساخت.

اوضاع انقلابی در آذربایجان فرار شده -

بود دیگر دهقانان نمی خواستند چا و لکتری

زاد: امین، آرابا و ما موران دولتی را تحمل

کنند، در جمعی شرایطی بود که فرقه سیده ها

دستور داد که در برابر ارتجاع و اراک ارتجاع از

خود دفاع کنند. به محض صدور این فرمان حرکت

دهقانی از مرز دفاع کدسه و در عرض مدت

کوتاهی تمام با دکانهای زاندارموری در

سران آذربایجان توسط دهقانان خلق سلاح

بندید. در مدتی کوتاه جلنی زیده بوس و کرسنه و

با هر همد بسرونی مصلح در سمدی مبدل شد.

مدن سرسب در آذربایجان قدرت دوگانه

بوجود آمد: در یک طرف دهقانان و زمینگهان

سلاح و جمع: بحری ترقه و در طرف دیگر ارتش

و سکنات: ارتجاع، دولت مرکزی مصمم به اعزام

سرویه آذربایجان گرفت ولی نیروهای دولت

در سدیگی قزوس توسط ارتش سرخ منوقف

شدند.

بدلیل این حرکت، کیکره، خلق آذربایجان

در ۲۹/۷/۱۳۲۴ تشکیل یافت. در این کنکره

مجلس موسسان وسیعی تشکیل شد و دستور انجام

انتخابات برای ایجاد مجلس ملی داده شد.

روز ۲۴/۹/۱۱ نظامیان دستور سرشیب

در خیابان ویرنهک و راهم رشتی سا دلنگ -

آذربایجان بدروی عزاداران حسینی آتش

کشودند.

روز ۲۴/۹/۲۹ مجلس ملی آذربایجان شروع

بکار سموده و بینه وری را ما مور تشکیل کا بینه

کرد.

و با لآخره روز ۲۲ آذر ماه با مذاکراتی

که بین نمایندگان حکومت ملی و فرماندهی

لشکر آذربایجان، سرشیب در خیابانی بعمل

آمد. با دکان تسریز خلق سلاح و کلسه، سلاح های

آمان به تشکیلات حکومت ملی تحویل داده شد.

بدن سرشیب در آذربایجان قدرت خلق مسلط

جلادان خلق آذربایجان در آذرماه سال ۱۳۲۵ باید محاکمه گردند

www.peykar.org

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۵۶)

هنگامیکه چریکهای فدایی به تقی دیکتاتوری پرولتاریا می‌رسند

توضیح

پنجمین قسمت "درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی" در پیکار ۲۸ مه بود و اینک قسمت ششم این مقاله را مطالعه می‌کنید. اما بخاطر اینکه خوانندگان بتوانند این بحث را بهتر دنبال کنند، بار دیگر قسمت پنجم مقاله را نیز می‌آوریم.

سنتی جامعه سرمایه‌داری در کارگر باقی مانده است. کارگران جامعه نوینی می‌سازند و آنکه خود به انسانهای نوین منزه از آلودگیهای دنیای کهنه تبدیل شده باشند، برعکس هنوز تازانو در این لجنزار فرو رفته‌اند. پاک شدن از این آلودگیها فعلا فقط در عالم اندیشه میسر است. پنداری عمیقاً واهی است اگر فکر کنیم که اینکار را می‌توان فوراً عملی ساخت. این پندار واهی در عمل استقرار سوسیالیسم را فقط به دنیای ساوی موکول خواهد کرد.

نه، ما اینطور به ساختمان سوسیالیسم نمی‌پردازیم. ما سوسیالیسم را بنا می‌کنیم در حالی که بر زمینهای سرمایه‌داری ایستاده‌ایم، در حالیکه علیه همه آن‌ها و معانی مبارزه می‌کنیم که دامن زحمتکشان را نیز گرفته است و پرولتاریا را به سقوط سوق می‌دهد.

(گزارش به دومین کنگره اتحادیه‌های کارگری سراسری روسیه، ۲۰ ژانویه ۱۹۱۹) گفتار لنین درباره طبقه‌ای است که در روسیه شوروی در رأس قدرت است طبقه‌ای که علیرغم تمام قهرمانیهایش علیرغم انجام انقلاب سوسیالیستی و کسب قدرت سیاسی هنوز تا زانو در لجنزار فرو رفته است و آلودگیهای دنیای کهنه او را به "سقوط سوق می‌دهد". ولی رفقای فدائی لابد معترض می‌باشند می‌گویند منظور ما طبقه کارگری است که "در طول ۴ دهه (۱۹۱۷-۱۹۵۷) کام به کام به سوی تحکیم و تکامل سوسیالیسم به پیش می‌تازد..." ("کار" شماره ۱۸)

با پدید آمدن کنیم حقیقت فوق در اصل موضوع اساساً تفسیری نمی‌دهد، زیرا که جامعه شوروی سوسیالیستی در دوران رفیق استالین، کماکان یک جامعه طبقاتی است و لجنزاری که لنین از آن صحبت می‌کنند در این جامعه هنوز وجود دارد.

از عناصر کهنه شده دهقانان و خریده بورژوازی شهری که به صفوف پرولتاریا پرتاب میشوند و در آنجا تعلقات طبقاتی خود را واردمی سازند، از میان کارگرانی که از موقعیت ممتاز برخوردارند و بهترین وضع را دارند و ما در میان آن‌ها "ناظر بروز داشی" می‌توانیم آن خائل منفی پارلمانتاریسم بورژوازی هستیم. (لنین: بیماری کودکی "چپ‌روی" در کمونیسم، آوریل-مه ۱۹۲۰)، از میان روشنفکرانی که منشأ طبقاتی غیر پرولتری دارند و... از میان تمام این گروه‌بندیهای اجتماعی خریده بورژوا بطریق مختلف در درون حزب طبقه کارگر راه می‌یابند و "در آنجا روح تزلیل واپورتونیزم، روح تفرقه و بی اعتمادی را داخل می‌کنند. بطور کلی همین‌ها هستند که منبع فراکسیون بازی و تجزیه و سرچشمه اخلاص و انفجار حزب را داخل می‌باشند." (استالین: راجع به اصول لنینیسم). بطلان

از ایدئولوژی و مشی پرولتاریا بلکه ملهم از ایدئولوژی و مشی روبریونیستی و بورژواشی خواهند بود.

اما درک ساده گرایانه و مکانیکی سازمان چریک‌های فدائی خلق در برخورد به حزب طبقه کارگر اینچنین خود را برز می‌دهد.

"عجبا، طبقه کارگر آگاه، انقلابی و قهرمانی که به رهبری لنین و حزب بشوئیک پس از سالها مبارزه، قدرت سیاسی را تسخیر می‌کند و حکومت کارگران را برقرار می‌سازد... به آسانی تسلیم‌عده‌ای روبریونیست میشود و خروچیف و دارودسته‌اش در عرض چند سال دوباره طبقه کارگر را از طبقه‌ای حاکم به طبقه‌ای محکوم تبدیل می‌کند و نظام سرمایه‌داری را مستقر می‌سازند. بدون آنکه کارگران کوچکترین اعتراضی بکنند، مرجعاً به این استدلال عالمه... ("کار" شماره ۱۸)

چریکهای فدائی که هنوز از دیدگاه و بینش چریکی خودنمیریدند همچنانکه "چریک" را قهرمانی ملگونی و شکست ناپذیر تصور می‌کنند طبقه کارگر و حزب را نیز اینگونه ترسیم می‌کنند. اینان پیروزی اجتناب ناپذیر تاریخی طبقه کارگر و سوسیالیسم را به هر نقطه‌ای از زمان تعمیم می‌دهند و در مغیله یک بعدی خود نمی‌توانند پدید آورنده طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و در کشاکش مبارزه طبقاتی می‌توانند از قدرت فروافتند. شکست طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و سلب قدرت از وی محتمل نیست. لیکن اگر در مبارزه آگاهانه و طولانی طبقه کارگر خطائی وارد آید و انقلاب مداوم این طبقه دچار توقف و رکود گردد، در آن هنگام تهاجم همه - جانی بورژوازی گسترش پیدا نموده و بعد از طی یک روند، ضربه قطعی فرود خواهد آمد. در زیربنای جامعه عناصر و عوامل سرمایه‌داری هنوز وجود دارند و در روستای آن ایدئولوژی و فرهنگ، عادت و سنت کهن وفا می‌کنند، فعال می‌باشند و این مجموعه بلا انقطاع، طبقه کارگر و حزب را مورد هجوم خود قرار می‌دهند.

لنین می‌نویسد: "آری، میان طبقه کارگر و جامعه بورژوازی کهنه، دیوار چین فاصله نیست. و زمانی که انقلاب فرا میرسد حوادث مانند مرگ یک انسان جریان نمی‌یابد. که جدا او را بیرون می‌برد. زمانی که جامعه کهنه می‌میرد، جدا تر نمی‌توان درنا بیست و میخکوب کرد و در گور گذاشت. این جد در میان ما از هم میپاشد، می‌گردد و خود ما را نیز آلوده می‌کند." (جلسه مشترک کمیته اجرایی مرکزی سراسر روسیه، شورای میسکوم پندکان کارگران و دهقانان و ارتش سرخ و اتحادیه‌های کارگری، ژوئن ۱۹۱۸).

و با لنین می‌نویسد: "میان کارگر و جامعه کهنه هیچگاه دیوار چین فاصله نبود. بسیاری از روحیات

اگر از گفتار خود ناپدیدینجا در یک کلام جمع بندی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که از نقطه نظر فلسفه دیا لکتیک حرکت تاریخ دارای زیگزاگ و لغت و خیز بوده در عین حال که روند عمومی آن روبه بالای می‌باشد. برای پایه امکان اینک یک کشور در حال ساختمان سوسیالیسم به عقب با زگرد و در آن نظام سرمایه‌داری تسلط یابد موجود است. زیرا در این جامعه عوامل بازدارنده زیربنائی و روبنائی که مناسبات کهن را در خود حفظ کرده و می‌کوشند تا این مناسبات را توسعه دهند هنوز از بین نرفته‌اند.

در این ارتباط هدایت جامعه سوسیالیستی توسط حزب طبقه کارگر تعیین کننده است. حزب سکان هدایت کننده جامعه‌ای است که در آن عناصر نظام کهن و عناصر رشد یافته نظام آتی در کنار یکدیگر قرار دارند. حزب برای پرولتاریا نه تنها از این جهت لازم است که بتواند انقلاب را به پیروزی برساند. بلکه مهمترین آن اینست که پرولتاریا بتواند دیکتاتوری طبقاتی را برانگیزد و مستقر نموده و جامعه سوسیالیستی را بسوی کمونیسم رهنمون شود. حزب کمونیست ستاد فرماندهی پرولتاریا و اسلحه دیکتاتوری پرولتاریا می‌باشد. دیکتاتوری پرولتاریا بدون حزب راستین طبقه کارگر که متکی بر جهان بینی کمونیسم و مبانی ایدئولوژیک مارکسیسم-لنینیسم است نمی‌تواند استوار باشد. حزبی که از یک انضباط آهنین پرولتری و تشکیلات عالی برخوردار است، حزبی که در میان توده‌های وسیع نفوذ داشته و راهگشای جامعه آینده است. لیکن فراموش نکنیم که جامعه سوسیالیستی هنوز یک جامعه طبقاتی است و در آن طبقات و مبارزه طبقاتی برای مدت زمان بسیار طولانی وجود خواهند داشت. حزب طبقه کارگر در بطن چنین جامعه‌ای مدام مورد تهاجم ایدئولوژیک و نفوذ مخرب افکار و عادات بورژوازی و خریده بورژوازی می‌باشد. در حقیقت مبارزه طبقاتی جاری در اجتماع در درون حزب طبقه کارگر بازتاب پیدا می‌کند و جهان بینی بورژوازی و خریده بورژوازی بطور مستمر سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا را مورد تهاجم خویش قرار می‌دهد. بدین لحاظ احتمال اینک حزب از مسیر خود به گمراه کشیده شود و به انحراف بورژوازی در غلط پیوسته موجود است؛ زمانی که روبریونیسم به مثابه یک جریان فکری بورژوازی در درون حزب پرولتاریا غلبه پیدا کرد، در آن هنگام سکان هدایت کننده و ستاد فرماندهی طبقه کارگر تغییر ماهیت یافته و از مسیر خود منحرف می‌گردد. زیرا آنچه که تعیین کننده حرکت و ماهیت حزب است مشی و سیاست حاکم بر آن می‌باشد. با قلب ما هیئت پرولتری و ایدئولوژی آن به یک حزب روبریونیستی ستاد فرماندهی طبقه کارگر منهدم گشته و جامعه سوسیالیستی روبه انحطاط و بازگشت به عقب می‌گذارد. دولت حاکم خطت پرولتری خود را از دست داده و از این پس سیاستی که در زیربنا و روبنا پیاده خواهند شد، دیگر نه ملهم

دیگرو می گذاریم و در عین حال می گوئیم تا نوشته های انحرافی چریکهای فدائی و دیگر نیروهای مشابه را به نقد بکشیم. نویسندگان این گونه مقالات باید گردن یکسری نقل قول از بزرگان سوسیالیسم علمی - که ربطی به مسائل مورد مشاجره ندارند - در پی آتند تا توده های سازمانی و غیرسازمانی را مغرب نمایند، و لسی در حقیقت آنها خود را گول میزنند. حقیقت مارکسیسم - لنینیسم در میان توده های پیش از پیش آشکارا هادگشت. این آقا با ن تنها کاری که می کنند سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران بومی اش را در دسته ارتجاعی کمیت مرکزی حزب توده راندلشاد می کنند.

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱۸

درد بر ...

موفق به تصرف ۱۰۰ هکتار از زمینهای کشت و صنعت شده و در وی آن شروع به کشت نمودند. این عمل قهرمانانه دهقانان علی آباد، زمینشان را نابردار از نیز به حرکت درآورد. و آنان نیز به همراه زن و فرزند خویش به سراغ زمین ۱۰۰ هکتاری "هدایتی" نام مزدور رفته با تراکتور مشغول شخم زدن آن شدند. و بسا شور و علاقه فوق العاده ای به دوز زمین برجین کشیدند. دهقانان در این کار بقدری مصمم و قاطع بودند که شگایت "هدایتی" و مداخله و تهدید زاندار میا نیز کاری نتوانست از پیش برد. دهقانان قهرمان علی آباد انبار دانه به طور اشتراکی روی زمینهای تصرفی کار میکنند.

مبارزات روستایان چنگاز - آمل -

"چنگاز" نام روستائی است که در ۹ کیلومتری آمل قرار دارد. این روستا ۶۰ خانوار دارد که جنبه اصلی اقتصاد آنرا کشاورزی تشکیل میدهد و در کنار کشاورزی "دامداری" نیز به عنوان رشته خود مصرف رواج دارد. از چند سال پیش فردی بنام فرخ نادرخانی با سطح نمودن ۱۰۰ هکتار از چراگاه جنگلی روستا تنها چراگاه روستا را از آن خود ساخت. این فرد در طی چند سال قبل با حمایت عمال رژیم سرسیرده از هجگونه آزار و اذیتی در حق روستایان "فروگذار نکرد". از اینرو همراه با او حکمرانی مبارزات در یک ساله اخیر، پیکان نیز مبارزه خود را متوجه تصرف اراضی این فرد مزدور گذاشتند. بعد از قیام مسلحانه، بهمن ماه و فرار فرخ نادرخانی روستایان در صدد برآمدن از طریق قانونی اقدام به مبارزه این اراضی میکنند که هر بار با مامورین مقامات مسئول روبرو می شدند. تا اینکه بالاخره روستایان موفق می شوند موافقت فرماندار آمل را جلب نموده و از طریق شورای پنج نفره به تصاحب اشتراکی اراضی پرداخته و به شخم و بذر پاشی اقدام کنند.

روستایان قهرمان چنگاز دسته جمعی و با قوت تمام زمینهای خود را شخم میزنند و اتحاد خود را مستحکم می گردانند.

کرده و پرچم شوروازی را به اهتزاز در می آورد. طبقاً از اندازه هوشیاری رهبری حزب کم باشد و به مبارزه طبقاتی بهای لازم راندهد، هر چند دانش مارکسیستی توده های جزبی محدود تر باشد آنها در مبارزه ایدئولوژیک آبدیده نشده و از تجربه کافی برخوردار نباشند به همان میزان خطر رشد رویونیسم و غلبه آن بر حزب بیشتر است. رویونیستها از درون حزب مانند خوره مشی پرولتاریا را می جوند و در مقابل، سیاست شوروازی را استغراغ می کنند و آنقدر فضای حاکم بر حزب را متعفن می سازند تا زمینه قدرت باسی شوروازی کاملاً فراهم آید.

لنین می گوید:

"با داشتن رفرمیستها و منشویکها در صفوف خود، پیروزی در انقلاب پرولتاریا شسی غیرممکن و نگاهداری آن محال است. این از روی اصول روشن است. و این را هم تجربه روسیه و هم هنگری آشکارا نشان میدهد. در روسیه چندین بار وضعیت سختی روی داد که سرنگون شدن رژیم شوروی در صورت باقی ماندن منشویکها و رفرمیستها و دسوکراتهای خرده شوروا در داخل حزب ماقطی بود..." (جلد ۲۵، ص ۴۶، چاپ روسی).

بدین ترتیب متوجه می شویم که لنین سقوط و سرنگونی رژیم شوروی را از طریق خردت یا فتن عناق رفرمیست و رویونیست ممکن می داند و در همین رابطه است که رفیق استالین می گوید: "مبارزه بی رحمانه با این عناصر و طرفدار آنها از حزب شرط اولیه موفقیت در مبارزه با امپریالیسم است... اگر حزب ما در صفوف خود مارتف ها و دانا و پوتسوف ها و اکسردها را می داشت نمی توانست به شاهراه افتاده حکومت را بدست بگیرد و دیکتاتوری پرولتاریا را تشکیل دهد. از جنگ داخلی پیروزمندان خارج شود. اگر حزب ما موفق به ایجاد وحدت داخلی و همبستگی بی نظیر صفوف خویش شد قبل از همه علتش این بود که بموقع توانست خود را از انزوای وجود اپورتونیسم پاک کرده انحلال طلبان و منشویکها را از داخل خود بیرون اندازد. ترقی و استحکام احزاب پرولتاریائی از طریق تنطیف آنها از اپورتونیستها و رفرمیستها، سوسیال - امپریالیستها و سوسال - سوسیستیا، سوسیال - وطن پرستان و سوسیال - پاسیفیستها انجام بگیرد. حزب با تصفیه خود از عناصر اپورتونیست استحکام می یابد." (راجع به اصول لنینیسم).

حزب کمونیست بلشویک لنین، حزبی کدیا انجام رساندن انقلاب سوسیالیستی در روسیه در تاریخ بشریت مرحله جدیدی را گذرد. پس از یک دوره از تاریخ پرشکوهش به دامن رویونیسم در غلتید. مسلماً رویونیسم در حزب بلشویک یک شبه - زل نشد، بلکه با توجه به شرایط زیربائی و روبنائی جامعه، طی سالان متعدد و گامگام در درون حزب ریشه یافت و دامنه پیدا کرد تا اینکه بالاخره پس از مرگ رفیق استالین و بروی کار آمدن دارودسته رویونیستی خروچفکی - دستگاه حزبی غلبه پیدا نمود و شوروی سوسیالیستی را به سمت یک کشور سوسیال امپریالیستی جهشت بخشید. ما توضیح این تحولات را به گفتارهای

طبقه کارگر و حزب پرولتاریا در طبقن اجتماعی زندگی می کنند که توده های وسیع آن عمیقاً از فرهنگ کمونیستی برخوردار نبوده و مارکسیسم - لنینیسم هنوز زمین کهنه ذهنیت آنان را شخم نزده و زیر و رو نگردانده است و می توان گفت حتی همه توده های حزبی از صلابت و استحکام ایدئولوژیک آنگونه که نایسته است، برخوردار نشده اند و درست در همین زمان چنین جامعه ای آکنده از ایدئولوژی و فرهنگ امپریالیستی، شورواشی، خرده شورواشی و خرافات فئودال - مذهبی بوده و این همه طبقه کارگر و حزب او را مورد هجوم و تحت تاثیر قرار می دهند بقول لنین:

"ایدئولوژی امپریالیستی در طبقه کارگر نیز نفوذ می نماید. دیوار چین این طبقه را از طبقات دیگر جدا نکرده است." (امپریالیسم، بحث با لاتریس مرحله سرمایه داری).

چریکهای فدائی خلق که در پندارهای غیر دبا لکتیکی و چارچوب استدلال رویونیستی غوطه و رند نمی توان اند در برابر بنده که بر اثر گسدام عوامل زیربائی و روبنائی حزب پرولتاریا تغییر ماهیت یافته و طبقه کارگر می تواند از طبقه حاکم به طبقه محکوم تبدیل شود، صرف وجود افراد کارگر در حزب و دولت نیست که تعیین کننده ماهیت آنهاست. این مشی و سیاست حاکم است که تعیین کننده می باشد و بعد اینکه حزب ستاد فرماندهی طبقه کارگراست. این حزب است که منافع آنی و آتی طبقه را تشخیص داده و با سدار آرمان طبقاتی پرولتاریاست. زمانی که حزب از راه غلبه رویونیستها و اپورتونیستها و حاکمیت سیاستها و افکار آنها به انحراف کشیده شد، طبقه کارگر همچون سپاهی بی فرمانده می گردد و قدرت را از کف می دهد.

مسلماً طبقه کارگر و حزب او نظاره گر ساده وقایع نخواهند بود. آنها با تمام قوا در این مصاف طبقاتی شرکت خواهند نمود. مبارزه علیه مناسبات اجتماعی کهن، مبارزه در عرصه اقتصاد و جهت انکشاف تولید سوسیالیستی، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک درون حزبی علیه مشی های راست رویونیستی، برپا داشتن انقلاب عظیم فرهنگی تحت دیکتاتوری پرولتاریا و گسترش بخشیدن به فرهنگ مارکسیستی - لنینیستی در میان توده های جامعه از جمله اقدامات مبارزاتی طبقه کارگر در جهت تحکیم قدرت سیاسی می باشد. ولی اینکه در این مقطع لزوماً مبارزه طبقه کارگر به پیروزی دست یابد همیشه مسلم نیست. سرنوشت مبارزه طبقاتی و اینکه بالاخره کی بر کی پیروز خواهد شد هنوز روشن نبوده و بزودی حل نخواهد گردید.

چریکهای فدائی بر اساس برخورد غیر دبا لکتیکی و پندارگرایی نه خود نمی توانستند معتقد باشند که احزاب کمونیست اروپای غربی به مناجاب رویونیسم و اپورتونیسم در غلطیده - اندو به سکان نگهبان سرمایه امپریالیستی تبدیل شده اند. در حالیکه واقعیت بر خلاف پندارهای خرده شورواشی آنان حکم می دهد.

حقیقت این است که عناصر فرصت طلب و رویونیست تحت لوای مارکسیسم در درون احزاب کمونیست نفوذ و راه یافته، از درون آهسته آهسته و گامگام سنگر پرولتاریا را تضعیف کرده و آنرا فتح می کنند. دشمن از درون سنگر حمله

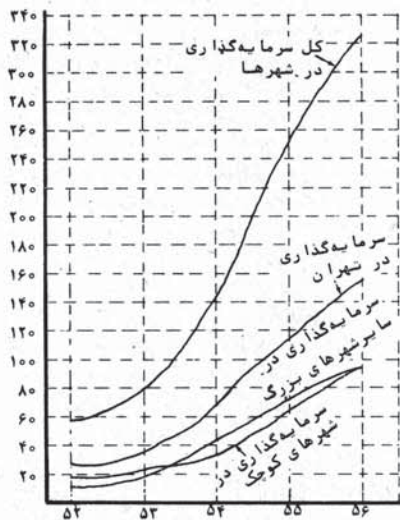


ریشه‌های بحران مسکن در ایران - ۳ -

وارداتی که از این سالها همواره سیر صعودی می یافت دیگر قادر نبود اشتغالی سیری ناپذیری سرمایه داری وابسته ایران و دربراس آن باشد دربارا که در پی نرخ سودهایی بیش از ۱۰۰ درصد بودند اراضی را بخرند. در واقع بالا رفتن قیمت نفت سبب گردید که بشدت نرخ کالاها و مواد اولیه امیربالیستها رشد کنند. انعکاس این امر در داخل ایران، روی آوردن سرمایه‌های انحصاری به سوی بورس بازاری زمین و ساختمان سازی بود.

نمودار ۴ - سیر و بهرشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در رشته ساختمان را نشان میدهد. همانطور که ملاحظه میشود منحنی مربوط به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان چه رشد حیرت‌آوری در فاصله ۵۲ - ۵۶ داشته است. بطوریکه یک نگاه سطحی نشان میدهد که این رقم در فاصله ۴ سال حدود ۶ برابر شده است.

نمودار ۴ - سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان (میلیارد ریال)



در رابطه با آنچه در باره فروشی سرمایه به گذاری در این بخش دیدیم، توجه به این نکته‌ای اختصای ممکن نیز از اهمیت است. با نگاهی کوروش، عمران و صندوق اکیانان عمده‌ترین موسسات مالی وابسته به بخش خصوصی اساساً در زمینه مسکن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. دویاتک مهم دولتی نیز یعنی بانک رهنی و بانک رفاه کارگران در انطباق با خط مشی واحدی با نگاهی فوق‌الذکر بوده است که مجموعاً منافع سرمایه‌داری وابسته و دربراس آن با تندرست‌تر و انحصاری‌ترین سرمایه‌داران وابسته را نام‌بندگی می‌کردند. نگاهی به وضع بانکهای مذکور نشان میدهد که چه اشتغالی سیری ناپذیری برای جذب سود متوسط این قشر را رنگر در این سالها وجود داشته است. مثلاً شرکت پس‌انداز و وام مسکن کوروش در سال ۱۳۵۰ با سرمایه‌ای معادل ۳۰۰ میلیون ریال در تهران تشکیل بقیه در صفحه ۱۳

صرف مصالح ساختمانی و فقط ۱۳/۸٪ صرف هزینه دستمزد کارگران میشود. عبارت دیگر حتی اگر افزایش ناخص زمین، مصالح ساختمانی و دستمزد کارگران ساختمانی بکمان باشد، فقط ۱۳/۸٪ از افزایش قیمت زمین مربوط به افزایش دستمزد کارگران است حال آنکه ۶۵/۴٪ از این افزایش مربوط به افزایش قیمت زمین میباشد. از همه این مطالب نتیجه‌ای که گرفته میشود این است که اولین گره اصلی و مسئله اساسی مسکن در واقع مسئله زمین است. و مسئله زمین نیز همانطور که قبلاً گفتیم مربوط است به مسئله مالکیت خصوصی اجتماری سران و بدین ترتیب روشن میشود که در کشور وابسته‌ای چون کشور ما که مالکیت انحصاری از سوی قشری کوچک از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وجود داشته است چرا مسئله مسکن اینقدر جنبه حادی بخود گرفته است.

دومین مسئله اساسی مسکن تضاد بین شهرودها میباشد. سلب مالکیت از دهقانان و تولیدکنندگان خردکالا و کشته شدن آنها از زمین و سران برداشتن سوی شهرها و مستقر شدن در اطراف شهرهای بزرگ در گودها، حلبی-آبادها و... همواره به مسئله مسکن جنبه حادی می‌بخشد. اطلاعات ارضی امیربالیستی ۴۱ در واقع نقطه عطفی بود برای حرکت سریع و شتابان نیروی کار آزاددهندگان بسوی شهرها. در واقع این نیروی عظیم انسانی بخاطر آنکه انحصارات امیربالیستی و سرمایه‌های وابسته ایران را به بازار وسیع فروش کالاهای خارجی مبدل کرده و جلوه‌گر گشته صنعت داخلی را بدگردها ندن می‌تواند حتی جذب بازار داخلی گردد. انهدام کثرت و ریزی که ریشه اصلی آن در همان تسلط انحصارات امیربالیستی و وابسته بر کشور است زمینه تشدید مهاجرت دهقانان به شهرهاست که یکی از عوارض آن همان تشدید بحران مسکن می‌باشد. همانطور که قبلاً گفتیم مسئله زمین خواری و کسب سود از این رشته همواره در اقطا دبیما ر-گونه ایران وجود داشته است. لیکن ما عملاً از سالهای ۵۰ به بعد شاهد رشد حیرت‌آور سرمایه گذاری در این بخش اقتصادی هستیم زیرا نرخ سود در رشته‌های تولیدی صنعتی به علت وابستگی آن به تولید امیربالیستی و تورم

(مبلغ به میلیارد ریال)

سال	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	متوسط رشد سالانه (%)
بانک رهنی ایران و صندوق پس‌اندازان	۶/۵	۶/۸	۱۱/۰	۱۶/۹	۳۶/۲	۴۲/۳	۴۵/۴
بانک ساختمان	-	-	۰/۸	۲/۱	۲/۷	۷/۱	۱۰۴/۵
شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن	۰/۸	۱/۵	۳/۴	۷/۰	۲۷	۲۵/۵	۱۰۲/۳
بانک رفاه کارگران	۵/۲	۶/۸	۱۰/۲	۱۵/۵	۲۵/۴	۲۴/۸	۳۶/۶
سایر بانکها	۶/۷	۸/۴	۱۰/۸	۲۵/۸	۳۵/۸	۳۵/۹	۰۹/۹
جمع کل	۱۹/۲	۲۲/۵	۳۶/۲	۶۷/۴	۱۲۷/۱	۱۳۵/۶	۴۷/۹

مقاومت در برابر افزایش با وفاحت هرچه بیشتر ادعا میکردند که مسئله افزایش سرمایه آورده شده مسکن بر اثر افزایش درآمد مردم و با ارضه خنده - دار بر سر اثر افزایش دستمزد کارگران ساختمانی است!! برای اینکه به عمق بیشتری در ادعای چنین جریانی بی‌سرمه لازم است ابتدا متذکر شویم که هزینه مسکن مثل هر کالای دیگری متکثر از دو جز است: ۱ - سرمایه ثابت که از قیمت زمین و مصالح بکار رفته در ساختمان، مالیات و غیره تشکیل میشود. ۲ - سرمایه متغیر که شامل پرداخت دستمزد کارگران می‌باشد. اکنون با درک این مسئله به آرامی جدول ۶ توجه کنید.

سال	زمین	معالج ساختمانی	کارگران ساختمانی	دستمرد
۱۳۵۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
۱۳۵۲	۱۲۶/۶	۱۰۵/۲	۱۴۷/۱	
۱۳۵۵	۲۰۵/۵	۱۲۰/۶	۲۰۵/۱	
۱۳۵۶	۳۱۰/۰	۱۵۷/۳	۲۷۵/۶	
۱۳۵۷	۲۷۱/۵	۱۵۶/۱	۳۲۴/۴	

جدول ۶ - ساختار عوامل عمده هزینه ساختمان - واحد - کپان ۲۲ مرداد ۵۸ (۱۳۵۳ = ۱۰۰) همانطور که مشاهده میشود در میان ارقام مذکور ساختار قیمت زمین سرمایه‌داران مل دیگر منجمده دستمزد کارگران ساختمانی رشد کرده است. یعنی در سال ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ مجموعاً درصد بالارفتن قیمت زمین اردر صد بالارفتن مزد کارگران سرمایه‌داران و تنها در سال ۵۷ است که بدلیل شرایط انحصاری خرید و فروش زمین نسبتاً را کشته و قیمت آن نسبت به مزد کارگران کاهش یافته است اما این فقط یک جنبه قضیه بود. جنبه دیگر و مهمتر قصه نقش و سهم هر یک از عوامل فوق در افزایش هزینه ساختمان می‌باشد. زیرا این سه عامل بهیچ وجه نقش مساوی در تعیین هزینه ساختمان را هم‌بگیر ندارند و اما ریزش نشان میدهد که همواره سهم هزینه زمین در هزینه کل ساختمان همواره رو به افزایش بوده و سرعکس سهم مزد کارگران نسبت به هزینه ساختمان کاهش یافته است. بعنوان مثال در سال ۵۴ ۶۵/۴۰٪ هزینه ساختمان مربوط به ارزش زمین ۲۰/۸٪

جدول ۷ - وامهای پرداخت شده برای ساختمان و مسکن

ماخذ - بانک مرکزی ایران، مجله سال ۱۳۵۶

شماره
تاریختعالی
پیکار

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

بقیه از صفحه ۴ دو سند ...

خائن ترسو است .
سند دیگر هم که بهای بازرگان و آقای
فرورهر است ، بخوبی گویاست و به توضیحی
احتیاج ندارد .
(دو سند را که کلیشه شده ملاحظه میکنید)

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

تعالی
پیکار

نخست وزیر

شماره ۲۴۵۵۲

تاریخ ۵۸/۶/۳

لایحه قانونی لغو قانون سهام کردن کارگران در منابع کارگاههای صنعتی و تولیدی

مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۷ و اصلاحات مصوب مجلسین سنا و شورایی

ماده واحده: از اول فروردین ماه سال ۱۳۵۸ شمسی لایحه قانونی سهام کردن کارگران در منابع کارگاههای

صنعتی و تولیدی مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۷ هیئت وزیران و اصلاحات مصوب ۱۳۴۳/۳/۱۸ و -

۱۳۴۸/۹/۱۹ مجلسین سنا و شورای ملی لغو میگردد .

تبصره ۱- متوسط سود ویژه سرانه پرداختی در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در کارگاههای مشمول در تعداد کارکنان در فروردین ماه سال ۵۸ ضرب می شود تا مبلغ قابل پرداخت بدست آید پس از کسر حداقل مبالغ معادل یکماه حقوق کارکنان در سال ۵۸ برای پرداخت عیدی از آن مانده احتمالی به منظور مساوی بین کارکنان مشمول مشاغل تقسیم و به مزد روزانه آنها پس از اجرای موهبه مورج ۱۳۵۸/۴/۱۸ شورای عالی کار از اول فروردین ماه ۱۳۵۸ افزوده خواهد شد .

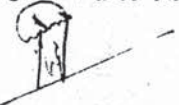
تبصره ۲- در صورت بروز اختلاف در اجرای این قانون رای هیئت حل اختلاف موضوع ماده ۴ قانون کار

قلمی و لازم الاجراست .

تبصره ۳- دولت موظف است در طرف سهاماء طرح قانونی لازم برای مربوط احداث و متعاقب کردن دستورها و یاداشتهای کارکنان مؤسسات صنعتی با میزان تولید سالانه و درآمدهای حاصله تهیه و

پیشنهاد نمایند ./ب

وزیر کار و امور اجتماعی



نخست وزیر



شورای محترم انقلاب اسلامی

لایحه قانونی لغو قانون سهام کردن کارگران در منابع کارگاههای
صنعتی و تولیدی مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۷ که در جلسه مورخ ۵۸/۶/۳ تصویب
هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران رسیده است برای تصویب
شورای انقلاب اسلامی به هیئت ارسال میگردد ./ب

نخست وزیر

مهدی بازرگان

لایحه را از تجربه شروع کنند و نتایج آن را در صدر آن بنویسند که اثر بیشتری دارد

توطئه ها نقش بر آب می شوند ۵۸/۶/۱۲

اما سرانجام توطئه های هیئت حاکمه برای عدم پرداخت سود ویژه بهمان آمد اما دگی خود را برای مبارزه با دولت و سرمایه داران ، برای گرفتن سود ویژه که چیزی جز مقدار از مزدشان نیست ، نشان میدادند . بنا براین "شورای انقلاب" معلومطور موقت تصمیم گرفت که در سال جاری سود ویژه ، کماکان پرداخت گردد . اما "شورای انقلاب" راه برای بازپس - گرفتن این حق را باز گذاشته است .

در توضیح بنا به اخیر شورای انقلاب که روز شنبه ۲۴ آذر ماه انتشار یافته است ، میخوانیم "نظریه اینک قانون سهام کردن کارگران می - بایست ... به موقع بررسی و تصمیمات مقتضی در این مورد گرفته شود ، لذا بعلت نبودن وقت کافی و عدم چنین بررسی در شرایط کنونی مقرر میگردد که حق السهم سال ۵۸ کارگران بشرح زیر پرداخت گردد ."

ملاحظه میکنید که "شورای انقلاب" صرفاً "به علت نبودن وقت" و "با بهترین روش تئوریک" مقاومت یکپارچه کارگران ، شن به پرداخت "سود ویژه" در سال جاری داده است . بنا براین کارگران مبارزان و وظیفه دارند توضیح این موضوع کارگران را آگاه و هشیار سازند تا در آینده "شورای انقلاب" دولت نتوانند این حق را ازیر پا گذارند .

بقیه از صفحه ۱۹ کارگران ...

جمهوری اسلامی (حزب خرده بورژوازی مرفه سنتی که در اتحاد با لیبرالها و حامیان امیر - با لیسیم دست به سرکوب خلق زده است) برودونه بدنبال حزب جمهوری خلق مللطان ، حزب - بخشی از لیبرالهای فدا انقلابی و احزاب تسمیه آن . چه بسا که این احزاب در کشمکش بر سر قدرت ، طبقه کارگر و توده های استثمار شده را و شیعه سهم بری بیشتر از قدرت ، برای خود نمایند و در این کشمکش خون زحمتکشان ما ریخته شود . وظیفه طبقه کارگر ، توده های خلق ما و نیروهای کمونیست و انقلابی است که توده ها را از این درگیری بر حذر داشته و نگذارند خون زحمتکشان بر سر سرازیر هیئت حاکمه و لیبرالها برای تقسیم قدرت به در رود . طبقه کارگر و نیروهای طرفدار آن وظیفه دارند با افشای مواضع هیئت حاکمه و لیبرال - های بیرون از هیئت حاکمه ، برای توده های خلق ، آنها را از زیر رهبری بورژوازی و خرده - بورژوازی مرفه سنتی خارج ساخته و حول شعار - های دموکراتیک طبقه کارگر متشکل نمایند . هم اکنون یگانا کتیک درست دامن زدن به مباحثه مباحثه میربا لیسینی و مداخله های توده ها

همانگونه که شرکت در مبارزه مباحثه لیسینی توده ها در سرکشورد رهبران را بطه افشای ما هیئت هیئت حاکمه ، بعنوان همدست و حامی امیربا لیسیم که علیرغم داشتن تضادهای با امیربا لیسیم متعصبان خلق را سرکوب می - کند ضرورت اساسی دارد ، در اینجا شرکت در مبارزه مباحثه میربا لیسینی و مداخله های توده ها و افشای مواضع هیئت حاکمه و لیبرالها بعنوان مدعیان دروغین مبارزه برای آزادی و سببرد مباحثه میربا لیسینی و بعنوان فاحشه های عریسه سیاست ، در هر حرکت توده ای از ضرورت نابایی برخوردار است .

پروشان با مدعیان زنا مباحثه میربا لیسینی و ضد ارتجاعی نشود هیا ! تنگ و نفرت بر سازگان "مدعیان آزادی" تنگ و نفرت بر مرتجعین "مدعیان ضد امیربا لیسینی" !

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
" کمیته آذربایجان "

۵۸/۹/۱۶

بقیه از صفحه ۲۰ کارگران...

رادیوتلوویزیون را به تصرف درآورده‌اند و بدنبال تسهیل تلگرافهای پشتیبانی شروع شد. حال ببینیم آیت‌الله شریعت‌مداری و حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و با شعار اطلاع ماهه ۱۱۰ چه اهدافی را دنبال می‌نمایند رابطه آنها با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و ماهیت شعار آنها چیست؟ مخالفت آنها با آیت‌الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی، حزب حاکم، از چه نوع است؟ برای درک موضوع کمی بعقب برگردیم.

آیت‌الله خمینی با خانه مبارزه می‌کرد و در سرنگونی شاه سرسختانه ایستاده بود ولی در همان زمان هم روشن بود که مخالفت آیت‌الله خمینی با آمریکا، قاطعانه نیست و معمولاً آمریکا را با خطا طریقت از شاه می‌گوید و هرگز از بی‌گناهی ملی آمریکا، یعنی سرمایه‌داری وابسته و ناپاکی آن سخن نمی‌گوید و برنا می‌آید انقلاب حرفی به میان نمی‌آورد و فقط از این دیدگاه به افشای قراردادها و... می‌پردازد. ملاقات وی در پاریس با رمزی کلارک و بعد شرکت بهشتی مزور به نمایندگی او در مذاکرات با زرگان - هویزر نیز تزلزل و سازشکاری آیت‌الله خمینی را نشان می‌دهد. آیت‌الله خمینی با شعار "ارتش برادرماست" یکی از ارکان اصلی امپریالیسم آمریکا - چرا که ارتش دست پرورده آمریکا است - را در ایران حفظ کرده و توده‌های ستمدیده و نیروهای انقلابی را از نابودی ارتش فدا خلقی و سرسپرده و ایجاد ارتش خلقی بازداشت و هرگز از توده‌ها دعوت نکرد که علیه شاه مبارزه مسلحانه کنند. آیت‌الله خمینی بدلیل اینکه تحت رهبری طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی آن قرار نداشت بلکه حتی نماینده اصناف، دهقانان خریده‌ها و زحمتکشان نبود بلکه بیشتر نماینده کاسبک‌ها و پولدار بود، هرگز نمی‌توانست علیه امپریالیسم مبارزه قاطعی را انجام دهد و بالاخره بدنبال با زرگان این لیبرال خاشاک افتاد. در جریان قیام، تنها سلطنت که شوک سرمایه‌داری وابسته بود از زمین رفت و غنود بدنه یعنی سرمایه‌داری وابسته با برجا ماند و اما در مورد نمایندگان سرمایه‌داران و لیبرال‌ها، آنها نیز علیه شاه مبارزه می‌کردند، اما آنها فقط از ازمی خواستند کمی آنطرف‌تر بنشینند تا برای آنها نیز باز شود و آنها نیز بغارت طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده بپردازند. نمایندگان این گروه‌ها، نهضت آزادی، جبهه ملی، آیت‌الله شریعت‌مداری، کانون وکلای دادگستری و... بود. آنها خواهان رعایت قانون اساسی (قانون اساسی شاهنشاهی) بودند. آنها به این بهانه که با یکدیگر می‌گفتند "شاه با پدیده‌ها ما سلطنت کننده حکومت". آیت‌الله شریعت‌مداری سه ماه بدولت شریف امامی مهلت داد تا کارها را روبراه کند. آنها از انقلاب مدبّر ریختن می‌ترسیدند (و می‌ترسند) تا از فساد انقلاب.

حال ببینیم بعد از قیام بهمن ماه آیت‌الله خمینی و شریعت‌مداری و احزاب مربوط به آنها، حزب جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی خلق مسلمان، چگونه با امپریالیسم و مبارزات توده‌ها برخورد کرده‌اند، تا ببینیم دعوای

فعلی بر سر چیست.

آیت‌الله خمینی بر اثر اینکه خود برنا می‌آید نداشت و بر اثر بی‌گناه طبقه خلق نمی‌توانست نفوذ و سلطه امپریالیسم را کاملاً قطع کند و ماشین دولتی عظیم (ارتش، ادارات دولتی، شهرتانی و...) را که یک انقلاب واقعی و کامل می‌توانست همه آنها را نابود کرده و دستگاه‌های دیگری متشکل از کارگران، دهقانان و زحمتکشان درست کند، در اتحاد با لیبرال‌ها (با زرگان و...) که بلبه بودند چگونه با این دستگاه بازی کنند، یعنی چگونه با آن به اشتها رتوده‌ها بپردازند و خود نیز در آن شریک شوند و به همراه سایر سرمایه‌داران وابسته که هنوز باقی مانده بودند، دولتی تشکیل دادند. این دولت که با رها موده‌ها شد آیت‌الله خمینی قرار گرفت تا است، چکار انجام داده است؟ این دولت به سرمایه‌های وابسته دست نزده است و برخی از آنها را بجای ملی کردن واقعی یعنی معادله و اداره آن توسط کارگران و دهقانان، دولتی کرده است یعنی سهام آنها را از ورشکستگی نجات داده است، به قراردادهای نظامی ایران در آمریکا دست نزده است (فقط در این اواخر اثر مبارزات توده‌ها، شورای انقلاب مجبور شده است یکی از آنها را لغو کند) این دولت که مورد تأیید اما می‌بود ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خرید تا با آن خلق کرد را سرکوب کند، دولت فدا امپریالیست را تا شاکند! خلق ما مبارزه کرده است تا از غارت منابع جلوگیری کند، از آنها را اسلحه شدن ایران جلوگیری کند، آنوقت همان دولتی که ادعای نمایندگی خلقها را دارد، همان کارها و رژیم سابق را (خرید اسلحه از کیه ملت و سرکوب ملت) را می‌کند به قراردادهای ایران با امپریالیستها و از جمله نفت دست نزده است و همچنان امپریالیستهای نفت ما را با فرات می‌برند. خواستهای بحق خلق کرد را سرکوب کرده و وقتی به تنگت مفتضعا ندها می‌شود، سعی می‌کند با مذاکره با حزب دموکرات، حزب سازش و خیانت، نیروهای انقلاب را متفرقه کرده و آنها را سرکوب کند. حال که مبارزه توده‌ها اوج گرفته، دولت بدلیل اختلافات درونی خود و نا رضایتی توده‌ها و روشن شدن ماهیت این دولت مورد تأیید امام، کنار رفت (ولی این کارگران خاشاک دوباره در شورای انقلاب عضویت یافت و دوباره به "خدمات" خود ادامه می‌دهد).

اما آیت‌الله شریعت‌مداری و حزب جمهوری خلق مسلمان چه موضعی گرفته‌اند؟ مبارزه بین این حزب و سران آن با رژیم، مبارزه بر سر منافع خلق نیست، مبارزه بر سر تقسیم قدرت می‌باشد. آیت‌الله شریعت‌مداری با رها از سرمایه‌داری و از اینکه مالکیت اسلام با محدود است دفاع کرده است. معنای این چیست؟ مگر شما توده‌های زحمتکش، کارگر دهقان و اصناف خرده‌پا بر علیه رژیمی مبارزه نکرده بودید که نماینده سرمایه‌داران وابسته بود و از آن حمایت میکرد؟ مگر بزرگ‌شدن سرمایه به قیمت فقر و سیه‌روزی زحمتکشان نیست؟ پس چرا در اسلام که آقای شریعت‌مداری معرفی می‌کند اینقدر سرمایه‌داری و مالکیت محترم است؟ یا مگر آیت‌الله شریعت‌مداری با رها از بازی این ارتش فدا خلقی دفاع نکرده است؟

آیا حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و سران آن مدافع خلق کرده‌اند؟ مگر خود شریعت‌مداری در جریان "پاوه" همدا با هیئت حاکمه شده؟ مگر از ارتش خواست "فدا انقلاب - بیون" (خلق کرد) را در پاره و سرکوب کند؟ حال چنانچه است که مدافع خلق کرده‌اند؟ مگر آیت‌الله شریعت‌مداری نبود که وقتی کارگران مبارزه کارخانه توکلی بعلت کارکنانهای کار - فرما، کارخانه را بدست خود گرفتند، آنها را غاصب می‌داند و توکلی حمایت نمود؟ همی "میرزا نجف" که امروز از زرگان "مجاهد" در رادیوتلوویزیون انتقاد می‌کند، همان کسی نبود که توکلی را برای تحمیل کارگران به کارخانه توکلی می‌برد؟ مگر همین پسر آیت‌الله شریعت‌مداری نبود که بعد از روزها تحمیل و اعتصاب غذای کارگران بیچاره را شکار کارگران با وعده وعید می‌خواست تحمیل آنها را در هم بشکند؟ و آیا کمیته‌های وابسته به حزب جمهوری خلق مسلمان نبودند که در سرکوب تظاهرات کارگران و بیچارگان شرکت می‌نمودند؟ بدین ترتیب روش میگرد که انسان وقتی شعار اطلاع ماهه ۱۱۰ را برپوش شعار - های دموکراتیک مطرح می‌آورد و وقتی از دموکراسی و "احزاب طلبی" سخن می‌راند چه منظوری دارد و چرا از هیچکدام از خواسته‌های فدا امپریالیستی و سرمایه‌داری وابسته کارگران و توده‌های ستمدیده پشتیبانی نمی‌کند.

منظور آنها این است که حق مسلم و سهمی از قدرت به آنها داده شود. آنها و احزاب بنیان هیچگاه نمی‌توانستند مدافع خلق باشند. حزب ایران، حزب پان ایرانیست، حزب اتحاد دیر آزادی بی احمد، آنقدر سابقه‌شان روشن است که دیگر نیازی به افسان ماهیت آنها نیست.

کارگران و توده‌های ستمدیده و... رده طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده بر علیه امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا و ارتجاع حامی آن همچنان ادامه دارد. جناح حزب جمهوری اسلامی از این مبارزات سوء استفاده کرده و خود را پیشانی مبارزه علیه امپریالیسم نشان می‌دهد. در عمل هیچ اقدام قاطعی برای قطع نفوذ و سلطه امپریالیسم نشان نمی‌دهد. آنها بودند که با استفاده از احساسات فدا امپریالیستی توده‌های ساکاه قانون اساسی ارتجاعی را به تصویب رساندند.

حزب جمهوری خلق مسلمان نیز با استفاده از احساسات توده‌ها بر علیه این قانون ارتجاعی می‌خواهد خود را پرچمدان آزادی و مبارزه فدا امپریالیستی نشان دهد، درحالیکه واقعیت گذشته‌های آنها جز این زانها نشده. خلق ما بعلت نبود رهبری طبقه کارگر و حزب آن در انقلاب دموکراتیک نتوانست به خواسته‌های خودجا به عمل بیاورد. طبقه کارگر با پدید آمدن آنها را قطع نفوذ و سلطه امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته در اینجا در حزب طبقه کارگر و رهبری توده‌های خلق بوسیله این حزب می‌باید دست که طبقه کارگر در مبارزه خود با حفظ استقلال طبقاتی و سایر خواسته‌های مستقل خود نباید بدنبال حزب بقیه در صفحه ۱۷



سادا مه ۱۳۰۳ از شهدای
"خس مشعب از س. م. خ. ا."
را در تماره های قتل آوردم
اس شهدا عبارت بودند از:

- ۱- رفیق شہید محمدحاج تقیعیہا (فتح اللہ)
۲- رفیق شہید مادی فردنقوی (مرتضیٰ)
۳- رفیق شہید فاطمہ بیگمکی (سہت)
۴- رفیق شہید ہاشم ونیق پور (لطیف)
۵- رفیق شہید حورہ محسینا (صدقہ)
۶- رفیق شہید احمد صادق قہارہ (حسن)
۷- رفیق شہید محبوبہ افراز (زہرا)
۸- رفیق شہید حسن سبحان آلہی (ستار)
۹- رفیق شہید ابراہیم داؤر
۱۰- رفیق شہید اکرم مادیقور (نسرین)
۱۱- رفیق شہید محمدرضا اخوندی (داؤد)
۱۲- رفیق شہید سعید تاج جبرری (اکرم)
۱۳- رفیق شہید رمضان افراز
واینک یادنامہ دوشہیدگرا تیزی آورم:

★ ★ ★

گرامی، یاد خاطره و فیق شهید



فرگس
قجر عضد انلو

جنایت‌پیشه بخانه رفیق ترکس سیزده ت یا ت
و در تاریخ ۱۷ مهرماه ۸۵ هنگا میکه رفیق
وارداخانه میشد ورا محاصره کرد. در جریان این
درگیری مسلحانه رفیق ترکس شهید و با احتمالاً
زخمی و سپس زیر شکنجه بشهادت رسیده است .
رژیم خونخوار شاه ، ابلهان صورت نمیکرد
که با ریختن خون گشیا خون هندوانست ، میهن
ما را به جزیره شبات و آرامش تبدیل کند و
مردم قهرمانان را برای همیشه در اسارت
نگهدارد ، غافل از اینکه با ریختن خون ترکس-
ها ، میلیونها ترکس در میهن ما بیا خواهند
خاست و دیدیم که چنین شد .
ما با ردیگرا داین رفیق شهید را اگر اسی
میداریم و بخون یا کش گوندیاد میکنیم که را
پیروزی نهایی انقلاب شما ممان را هوش را
آدامه خواهد داد .



گواہی باد خاطرہ رفیق شہید
بہرام آرام

سرعت پشت سر گذاشت بطوریکه در شهر بورما ه سال ۵۰ که یورش وحشیانه و جنگارانه ما واک بهما زمان مجاهدین خلق شروع شد، او یکی از کادرهای کارآمد زمان بود. سپهرام پس از ضربه ۵۰ بلافاصله مخفی شد و از جمله کسانی بود که همراه مجاهد شهید احمد رضا قیلائی برای

در سالهای سده هجری ششم تا هجری نهم، با ورود مسلمانان و استقرار حکومت اسلامی در ایران، با تغییرات اساسی در نظام اجتماعی و سیاسی مواجه شدیم. در این دوره، با ظهور اسلام و تأسیس حکومت اسلامی، نظام اجتماعی و سیاسی ایران دچار تحول اساسی گردید. این تحول، با تغییر در ساختار حکومتی و ایجاد نظامی مبتنی بر ارزشهای دینی همراه بود. در این دوره، با ظهور اسلام و تأسیس حکومت اسلامی، نظام اجتماعی و سیاسی ایران دچار تحول اساسی گردید. این تحول، با تغییر در ساختار حکومتی و ایجاد نظامی مبتنی بر ارزشهای دینی همراه بود.

رفیق شهید ترکس عبدالوکیل از اس-
انقلابیون است. وی که فارغ التحصیل
دانشگاه صنعتی شریف بود، مدتها در شرایط
عسلی مبارزه کرد و از کمک به سازمانهای
انقلابی به طور مخفی فعالیت میکرد. در پی
دانشت، رفیق عبدالوکیل ۵۴ ساله بصورت
یک انقلابی حرفهای به بخش مشغول سازمان
مهاجرت و خلع ایران پیوست و شش ماه در
در راه احاطه موبایف تشکیلاتیش فداکارانه تلاش
میکرد. از سیمه های سال ۵۵ بعد، زمانی که
او با سازمان اوک توانستند سوندیه برخی از خانه
های نیمه و حلقه های تردد را سازمان دست یابند
رفیق ترکس نیز مانند دیگر همزمانش در تلاش
بود تا بتواند راه های را که با او ک بدنه رسیده
بود کند. درگیر بود، چنین تلاشی بود که او ک

رفیق شهید بهرام آقام را حمله افغانی
بود که ارمان و اذل حواشی تنم می کار آشیای
خود را در خدمت مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم
واستبد و مغفورا هاشم و مبارزه علیه استعمار
و رهایی زحمتکاران از فیدوسند سرمایه داران قرار
داد.

رقیب قبل از ورود به آلمان مجاهدین خلق ایران، همراه مجاهدین شهیداً حیدر را با خود به رهبری در یک گروه مبارز مذهبی فعالیت کرد. وی در سال ۴۸ به همراه مجاهدین شهید را با خود به رهبری عضویت آلمان مجاهدین خلق

رفیق دربر توشوروشوق انقلابی واستعداد
سرشاری کهداست ، مراحل اولیه آموزش را

در رایطه حوادث اخیر سریر کمیته
آذربایجان "ماریان" سیاسی داده است که در
بررسیهای اراک را مطالعه میکنید:

کارگران! زحمتکشان!
توده های رزمنده
آذربایجان و ایران!

اسک انداز جان عربلو خادسی اسک
را دادا دما را ایدو کراسک ودا مرسا
لمسی خلق وگنا کی جسد جا که و لیموا
سوتی برومیدا اس آخای عدا هدا اسن
جوان و ما ها ای اس اس مهمنی در
می را لعدکا گرو ایز محمدان سنی میا
و حضور اسجا جان دار

سر اسرار و صحیح حکومتی روی کار آمدن
دولت سازگان و ادامه عمارت و حکمتانی
ایستادگی

[illegible]

حال بنییم اس صا رره کوار ره رری
طنه، کارکر محروم است چکونه مورد بهره برداری
نیست آنها فرامی گردن است همی از قدرت بسا
کند. دیدیم که چگونه بدستال امتناع آید -
لله شریعتمداری از دادن رای به قانون
با سی دست و پا زدن مدعو خانه، هشت خاکمه
بر - یونان این فعالیت وسیع جریسان
همه به خانه آید - شریعتمداری، غذای
از مردم سربزید خوب حزب جمهوری اسلامی خلق
مسلمان، شروع به نظا هرات کرده و با اصرار
بقه، در صفحه ۱۹

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر